

کتاب امثال سلیمان نبی

مقدمه کتاب

۱ امثال سلیمان بن داود پادشاه اسرائیل ۲ به جهت دانستن حکمت و عدل، و برای فهمیدن کلمات فطانت. ۳ به جهت اکتساب ادب معرفت آمیز، و عدالت و انصاف و استقامت. ۴ تا ساده دلان را زیرکی بخشد، و جوانان را معرفت و تمیز. ۵ تا مرد حکیم بشنود و علم را بیفزاید. و مرد فهیم تدابیر را تحصیل نماید. ۶ تا امثال و کلیات را بفهمند، کلمات حکیمان و غوامض ایشان را. ۷ ترس یهوه آغاز علم است. لیکن جاهلان حکمت و ادب را خوار می‌شمارند.

هشدار علیه وسوسه

۸ ای پسر من تادیب پدر خود را بشنو، و تعلیم مادر خویش را ترک منما. ۹ زیرا که آنها تاج زیبایی برای سر تو، و جواهر برای گردن تو خواهد بود. ۱۰ ای پسر من اگر نگاهکاران تو را فریفته سازند، قبول منما. ۱۱ اگر گویند: «همراه ما بیا تا برای خون در کمین بنشینیم، و برای بی‌گهان بی‌جهت پنهان شویم، ۱۲ مثل هاویه ایشان را زنده خواهیم بلعید، و تندرست مانند آنانی که به گور فرو می‌روند. ۱۳ هر گونه اموال نفیسه را پیدا خواهیم نمود. و خانه های خود را از غنیمت مملو خواهیم ساخت. ۱۴ قرعه خود را در میان ما بینداز. و جمیع ما را یک کیسه خواهد بود.»

۱۵ ای پسر من با ایشان در راه مرو. و پای خود را از طریقه های ایشان باز دار ۱۶ زیرا که پایهای ایشان برای شرارت می‌دود و به جهت ریختن خون می‌شتابد. ۱۷ به تحقیق، گستردن دام در نظر هر بالدار بی‌فایده است. ۱۸ لیکن ایشان به جهت خون خود کمین می‌سازند، و برای جان خویش

پنهان می‌شوند. ۱۹ همچنین است راههای هر کس که طماع سود باشد، که آن جان مالک خود را هلاک می‌سازد.

تشویق به پذیرفتن حکمت

۲۰ حکمت در بیرون ندا می‌دهد و در شوارع عام آواز خود را بلند می‌کند. ۲۱ در سرچهارراهها در دهنه دروازه‌ها می‌خواند و در شهر به سخنان خود متکلم می‌شود ۲۲ که «ای جاهلان تا به کی جهالت را دوست خواهید داشت؟ و تا به کی مستهزئین از استهزا شادی می‌کنند و احمقان از معرفت نفرت می‌نمایند؟ ۲۳ به سبب عتاب من بازگشت نمائید. اینک روح خود را بر شما افزایم خواهیم نمود و کلمات خود را بر شما اعلام خواهیم کرد. ۲۴ زیرا که چون خواندم، شما ابا نمودید و دستهای خود را افراشتم و کسی اعتنا نکرد. ۲۵ بلکه تمامی نصیحت مرا ترک نمودید و توبیخ مرا نخواستید. ۲۶ پس من نیز در حین مصیبت شما خواهم خندید و چون ترس بر شما مستولی شود استهزا خواهم نمود. ۲۷ چون خوف مثل باد تند بر شما عارض شود، و مصیبت مثل گردباد به شما دررسد، حینی که تنگی و ضیق بر شما آید. ۲۸ آنگاه مرا خواهند خواند لیکن اجابت نخواهم کرد، و صبحگاهان مراجستجو خواهند نمود اما مرا نخواهند یافت. ۲۹ چونکه معرفت را مکروه داشتند، و ترس خداوند را اختیار نمودند، ۳۰ و نصیحت مرا پسند نکردند، و تمامی توبیخ مرا خوار شمردند، ۳۱ بنابراین، از میوه طریق خود خواهند خورد، و از تدابیر خویش سیر خواهند شد. ۳۲ زیرا که ارتداد جاهلان، ایشان را خواهد کشت و راحت غافلانه احمقان، ایشان را هلاک خواهد ساخت. ۳۳ اما هر که مرا بشنود در امنیت ساکن خواهد بود، و از ترس بلا مستریج خواهد ماند.»

۱ ای پسر من اگر سخنان مرا قبول می نمودی و اوامر مرا نزد خود نگاه می داشتی،^۲ تا گوش خود را به حکمت فراگیری و دل خود را به فطانت مایل گردانی،^۳ اگر فهم را دعوت می کردی و آواز خود را به فطانت بلند می نمودی،^۴ اگر آن را مثل نقره می طلبیدی و مانند خزانه های مخفی جستجو می کردی،^۵ آنگاه ترس خداوند را می فهمیدی، و معرفت خدا را حاصل می نمودی. ^۶ زیرا خداوند حکمت را می بخشد، و از دهان وی معرفت و فطانت صادر می شود. ^۷ به جهت مستقیمان، حکمت کامل را ذخیره می کند و برای آنانی که در کاملیت سلوک می نمایند، سپر می باشد،^۸ تا طریقه های انصاف را محافظت نماید و طریق مقدسان خویش را نگاه دارد.

۹ پس آنگاه عدالت و انصاف را می فهمیدی، و استقامت و هر طریق نیکو را. ^{۱۰} زیرا که حکمت به دل تو داخل می شد و معرفت نزد جان تو عزیز می گشت. ^{۱۱} تمیز، تو را محافظت می نمود، و فطانت، تو را نگاه می داشت،^{۱۲} تا تو را از راه شریرانهایی بخشد، و از کسانی که به سخنان کج متکلم می شوند. ^{۱۳} که راههای راستی را ترک می کنند، و به طریقه های تاریکی سالک می شوند. ^{۱۴} از عمل بد خشنودند، و از دروغهای شریر خرسندند. ^{۱۵} که در راههای خود معوجند، و در طریقه های خویش کج رو می باشند. ^{۱۶} تا تو را از زن اجنبی رهایی بخشد، و از زن بیگانه ای که سخنان تملق آمیز می گوید، ^{۱۷} که مصاحب جوانی خود را ترک کرده، و عهد خدای خویش را فراموش نموده است. ^{۱۸} زیرا خانه او به موت فرو می رود و طریقه های او به مردگان. ^{۱۹} کسانی که نزد وی روند بر نخواهند گشت، و به طریقه های حیات نخواهند رسید. ^{۲۰} تا به راه صالحان سلوک نمایی و طریقه های عادلان را نگاه داری. ^{۲۱} زیرا که راستان در زمین ساکن خواهند شد، و کاملان در آن باقی خواهند ماند. ^{۲۲} لیکن شریران از زمین منقطع خواهند شد، و ریشه خیانتکاران از آن کنده خواهد گشت.

۳

سایر فواید حکمت

۱ ای پسر من، تعلیم مرا فراموش مکن و دل تو اوامر مرا نگاه دارد،
 ۲ زیرا که طول ایام وسالهای حیات و سلامتی را برای تو خواهد افزود.
 ۳ زنهار که رحمت و راستی تو را ترک نکند. آنها را بر گردن خود ببند و
 بر لوح دل خود مرقوم دار. ۴ آنگاه نعمت و رضامندی نیکو، در نظر خدا
 و انسان خواهی یافت. ۵ به تمامی دل خود بر خداوند توکل نما و بر عقل
 خود تکیه مکن. ۶ در همه راههای خود او را بشناس، و او طریقه‌هایت را
 راست خواهد گردانید.

۷ خویشتن را حکیم میندار، از خداوند بترس و از بدی اجتناب نما. ۸ این
 برای ناف تو شفا، و برای استخوانهایت مغز خواهد بود. ۹ از مایملک خود
 خداوند را تکریم نما و از نوبرهای همه محصول خویش. ۱۰ آنگاه انبارهای
 تو به وفور نعمت پر خواهد شد، و چرخشهای تو از شیره انگور لبریز خواهد
 گشت. ۱۱ ای پسر من، تادیب خداوند را خوار مشمار، و توبیخ او را
 مکروه مدار. ۱۲ زیرا خداوند هر که را دوست دارد تادیب می‌نماید، مثل
 پدر پسر خویش را که از او مسرور می‌باشد. ۱۳ خوشباجال کسی که حکمت
 را پیدا کند، و شخصی که فطانت را تحصیل نماید. ۱۴ زیرا که تجارت آن از
 تجارت نقره و محصولش از طلای خالص نیکوتر است. ۱۵ از لعلها گرانباتر
 است و جمیع نفایس تو با آن برابری نتواند کرد. ۱۶ به دست راست وی طول
 ایام است، و به دست چپش دولت و جلال. ۱۷ طریقه‌های وی طریقه‌های
 شادمانی است و همه راههای وی سلامتی می‌باشد. ۱۸ به جهت آنانی که
 او را به دست گیرند، درخت حیات است و کسی که به او متمسک می‌باشد
 نجسته است.

۱۹ خداوند به حکمت خود زمین را بنیاد نهاد، و به عقل خویش آسمان
 را استوار نمود. ۲۰ به علم او لجه‌ها منشق گردید، و افلاک شبنم راهی
 چکانید. ۲۱ ای پسر من، این چیزها از نظر تو دور نشود. حکمت کامل

و تمیز را نگاه دار. ۲۲ پس برای جان تو حیات، و برای گردنت زینت خواهد بود. ۲۳ آنگاه در راه خود به امنیت سالک خواهی شد، و پایت نخواهد لغزید. ۲۴ هنگامی که بخوابی، نخوابی ترسید و چون دراز شوی خوابت شیرین خواهد شد. ۲۵ از خوف ناگهان نخوابی ترسید، و نه از خرابی شیرین چون واقع شود. ۲۶ زیرا خداوند اعتماد تو خواهد بود و پای تو را از دام حفظ خواهد نمود. ۲۷ احسان را از اهلش باز مدار، هنگامی که بجا آوردنش در قوت دست توست. ۲۸ به همسایه خود مگو برو و بازگرد، و فردا به تو خواهیم داد، با آنکه نزد تو حاضر است. ۲۹ بر همسایه ات قصد بدی مکن، هنگامی که او نزد تو در امنیت ساکن است. ۳۰ با کسی که به تو بدی نکرده است، بی سبب محاصمه منما. ۳۱ بر مرد ظالم حسد مبر و هیچکدام از راههایش را اختیار مکن. ۳۲ زیرا کج خلقان نزد خداوند مکروهند، لیکن سر او زدر استان است، ۳۳ لعنت خداوند بر خانه شیرین است. اما مسکن عادلان را برکت می دهد. ۳۴ یقین که مستهزین را استهزا می نماید، اما متواضعان رافض می بخشد. ۳۵ حکیمان وارث جلال خواهند شد، اما احمقان نجالت را خواهند برد.

۴

افضل بودن حکمت

۱ ای پسران، تادیب پدر را بشنوید و گوش دهید تا فطانت را بفهمید،
 ۲ چونکه تعلیم نیکو به شما می دهم. پس شریعت مرا ترک ننمایید. ۳ زیرا که من برای پدر خود پسر بودم، و در نظر مادرم عزیز و یگانه. ۴ و او مرا تعلیم داده، می گفت: «دل تو به سخنان من متمسک شود، و اوامر مرا نگاه دار تا زنده بمانی. ۵ حکمت را تحصیل نما و فهم را پیدا کن. فراموش مکن و از کلمات دهانم انحراف موز. ۶ آن را ترک منما که تو را محافظت خواهد نمود. آن را دوست دار که تو را نگاه خواهد داشت. ۷ حکمت از همه چیز افضل است. پس حکمت را تحصیل نما و به هر آنچه تحصیل نموده

باشی، فهم را تحصیل کن. ^۸ آن را محترم دار، و تو را بلند خواهد ساخت. واگر او را در آغوش بکشی تو را معظم خواهد گردانید. ^۹ بر سر تو تاج زیبایی خواهد نهاد. و افسر جلال به تو عطا خواهد نمود.»

^{۱۰} ای پسر من بشنو و سخنان مرا قبول نما، که سالهای عمرت بسیار خواهد شد. ^{۱۱} راه حکمت را به تو تعلیم دادم، و به طریقه‌های راستی تو راهدایت نمودم. ^{۱۲} چون در راه بروی قدمهای توتنگ نخواهد شد، و چون بدوی لغزش نخواهی خورد. ^{۱۳} ادب را به چنگ آور و آن را فرو مگذار. آن را نگاه دار زیرا که حیات تو است. ^{۱۴} به راه شیران داخل مشو، و در طریق نگاهکاران سالک مباش. ^{۱۵} آن را ترک کن و به آن گذر منما، و از آن اجتناب کرده، بگذر. ^{۱۶} زیرا که ایشان تا بدی نکرده باشند، نمی خوابند و اگر کسی را نلغزانیده باشند، خواب از ایشان منقطع می‌شود. ^{۱۷} چونکه نان شرارت را می‌خورند، و شراب ظلم را می‌نوشند. ^{۱۸} لیکن طریق عادلان مثل نور مشرق است که تا نهار کامل روشنایی آن در تزیادی باشد. ^{۱۹} و اما طریق شیران مثل ظلمت غلیظاست، و نمی دانند که از چه چیز می‌لغزند.

^{۲۰} ای پسر من، به سخنان من توجه نما و گوش خود را به کلمات من فرا گیر. ^{۲۱} آنها از نظر تو دور نشود. آنها را در اندرون دل خود نگاه دار. ^{۲۲} زیرا که آنها را بیابد برای او حیات است، و برای تمامی جسد او شفا می‌باشد. ^{۲۳} دل خود را به حفظ تمام نگاه دار، زیرا که خرج‌های حیات از آن است. ^{۲۴} دهان دروغگو را از خود بینداز، و لبهای کج را از خویشتن دور نما. ^{۲۵} چشمانت به استقامت نگران باشد، و مرگانت پیش روی تو راست باشد. ^{۲۶} طریق پایهای خود را هموار بساز، تا همه طریقه‌های تو مستقیم باشد. ^{۲۷} به طرف راست یا چپ منحرف مشو، و پای خود را از بدی نگاه دار.

هشدار در مورد زنا

۱ ای پسر من، به حکمت من توجه نما، و گوش خود را به فطانت من فراگیر،^۲ تا تدایب را محافظت نمایی، و لبهایت معرفت رانگاه دارد. ۳ زیرا که لبهای زن اجنبی عسل رامی چکاند، و دهان او از روغن ملایم تراست. ۴ لیکن آخر او مثل افسنتین تلخ است و برنده مثل شمشیر دودم. ۵ پایهایش به موت فرو می رود، و قدمهایش به هاویه متمسک می باشد. ۶ به طریق حیات هرگز سالک نخواهد شد. قدمهایش آواره شده است و او نمی داند. ۷ و الانای پسرانم مرا بشنوید، و از سخنان دهانم انحراف مورزید. ۸ طریق خود را از او دور ساز، و به در خانه او نزدیک مشو. ۹ مبدا عتفوان جوانی خود را به دیگران بدهی، و سالهای خویش را به ستم کیشان. ۱۰ و غریبان از اموال تو سیر شوند، و ثمره محنت تو به خانه بیگانه رود. ۱۱ که در عاقبت خودنوحه گری نمایی، هنگامی که گوشت و بدنت فانی شده باشد،^{۱۲} و گویی چرا ادب را مکروه داشتم، و دل من تنبیه را خوار شمرد،^{۱۳} و آواز مرشدان خود را نشنیدم، و به معلمان خود گوش ندادم. ۱۴ نزدیک بود که هر گونه بدی را مرتکب شوم، در میان قوم و جماعت.

۱۵ آب را از منبع خود بنوش، و نهرهای جاری را از چشمه خویش. ۱۶ جویهای تو بیرون خواهد ریخت، و نهرهای آب در شوارع عام،^{۱۷} و از آن خودت به تنهایی خواهد بود، و نه از آن غریبان با تو. ۱۸ چشمه تو مبارک باشد، و از زن جوانی خویش مسرور باش،^{۱۹} مثل غزال محبوب و آهوی جمیل. پستانهایش تو را همیشه خرم سازد، و از محبت او دائم محفوظ باش. ۲۰ لیکن ای پسر من، چرا از زن بیگانه فریفته شوی؟ و سینه زن غریب را در برگیری؟^{۲۱} زیرا که راههای انسان در مدنظر خداوند است، و تمامی طریقهای وی را می سنجد. ۲۲ تقصیرهای شریر او را گرفتار می سازد، و به بندهای گاهان خود بسته می شود. ۲۳ او بدون ادب خواهد مرد، و به کثرت حماقت خویش تلف خواهد گردید.

۶

جلوه های جهالت

۱ ای پسر، اگر برای همسایه خود ضامن شده، و به جهت شخص بیگانه دست داده باشی،^۲ و از سخنان دهان خود در دام افتاده، و از سخنان دهانت گرفتار شده باشی،^۳ پس ای پسر من، این را بکن و خویشتن را رهایی ده چونکه به دست همسایه ات افتاده‌ای. برو و خویشتن را فروتن ساز و از همسایه خود التماس نما. ^۴ خواب را به چشمان خود راه مده، و نه پینکی رابه مژگان خویش. ^۵ مثل آهو خویشتن را از کندو مانند گنجشک از دست صیاد خلاص کن.

۶ ای شخص کاهل نزد مورچه برو، و در راههای او تامل کن و حکمت را بیاموز،^۷ که وی را پیشوایی نیست و نه سرور و نه حاکی. ^۸ اما خوراک خود را تابستان مهیا می سازد و آذوقه خویش را در موسم حصاد جمع می کند. ^۹ ای کاهل، تا به چند خواهی خوابید و از خواب خودکی خواهی برخاست؟ ^{۱۰} اندکی خفت و اندکی خواب، و اندکی بر هم نهادن دستها به جهت خواب. ^{۱۱} پس فقر مثل راهزن بر تو خواهد آمد، و نیازمندی بر تو مانند مرد مسلح.

۱۲ مرد لئیم و مرد زشت خوی، با اعوجاج دهان رفتار می کند. ^{۱۳} با چشمان خود غمزه می زند و با پایهای خویش حرف می زند. با انگشتهای خویش اشاره می کند. ^{۱۴} در دلش دروغها است و پیوسته شرارت را اختراع می کند. نزاعها را می پاشد. ^{۱۵} بنابراین مصیبت بر او ناگهان خواهد آمد. در لحظه ای منکسر خواهد شد و شفا نخواهد یافت.

۱۶ شش چیز است که خداوند از آنها نفرت دارد، بلکه هفت چیز که نزد جان وی مکروه است. ^{۱۷} چشمان متکبر و زبان دروغگو، و دستهایی که خون بی گناه را می ریزد. ^{۱۸} دلی که تدابیر فاسد را اختراع می کند. پایهایی که درزبان کاری تیزرو می باشند. ^{۱۹} شاهد دروغگو که به کذب متکلم شود. و کسی که در میان برادران نزاعها پیاشد.

۲۰ ای پسر من اوامر پدر خود را نگاه دار و تعلیم مادر خویش را ترک
 منما. ۲۱ آنها را بر دل خود دائم ببند، و آنها را بر گردن خویش بیاویز.
 ۲۲ حینی که به راه می‌روی تو را هدایت خواهد نمود، و حینی که می‌خوابی
 بر تو دیده بانی خواهد کرد، و وقتی که بیدار شوی با تو مکالمه خواهد
 نمود. ۲۳ زیرا که احکام (ایشان) چراغ و تعلیم (ایشان) نور است، و
 توبیخ تدبیرآمیز طریق حیات است. ۲۴ تا تو را از زن خبیثه نگاه دارد،
 و از چاپلوسی زبان زن بیگانه. ۲۵ در دلت مشتاق جمال وی مباش، و از
 بلکهایش فریفته مشو، ۲۶ زیرا که به سبب زن زانیه، شخص برای یک قرص
 نان محتاج می‌شود، و زن مرد دیگر، جان گرانها را صید می‌کند. ۲۷ آیا
 کسی آتش را در آغوش خود بگیرد و جامه‌اش سوخته نشود؟ ۲۸ یا کسی
 بر اخگرهای سوزنده راه رود و پایهایش سوخته نگردد؟ ۲۹ همچنین است
 کسی که نزد زن همسایه خویش داخل شود، زیرا هر که او را لمس نماید
 بی‌گناه نخواهد ماند.

۳۰ دزد را اهانت نمی‌کنند اگر دزدی کند تاجان خود را سیر نماید وقتی
 که گرسنه باشد. ۳۱ لیکن اگر گرفته شود، هفت چندان رد خواهد نمود
 و تمامی اموال خانه خود را خواهد داد. ۳۲ اما کسی که با زنی زنا کند،
 ناقص العقل است و هر که چنین عمل نماید، جان خود را هلاک خواهد
 ساخت. ۳۳ او ضرب و رسوایی خواهد یافت، و ننگ او محو نخواهد شد.
 ۳۴ زیرا که غیرت، شدت خشم مرد است و در روز انتقام، شفقت نخواهد
 نمود. ۳۵ بر هیچ کفاره‌ای نظر نخواهد کرد و هر چند عطایا را زیاده کنی،
 قبول نخواهد نمود.

۷

هشدار درباره زنا

۱ ای پسر من سخنان مرا نگاه دار، و اوامر مرا نزد خود ذخیره نما. ۲ اوامر
 مرا نگاه دار تا زنده بمانی، و تعلیم مرا مثل مردمک چشم خویش. ۳ آنها را

بر انگشتهای خود ببند و آنها را بر لوح قلب خود مرقوم دار. ^۴ به حکمت بگو که تو خواهر من هستی و فهم را دوست خویش بخوان ^۵ تا تو را از زن اجنبی نگاه دارد، و از زن غریبی که سخنان تملق آمیزی می گوید.

^۶ زیرا که از دریچه خانه خود نگاه کردم، و از پشت شبکه خویش. ^۷ در میان جاهلان دیدم، و در میان جوانان، جوانی ناقص العقل مشاهده نمودم، ^۸ که در کوچه بسوی گوشه او می گذشت. و به راه خانه وی می رفت، ^۹ در شام در حین زوال روز، در سیاهی شب و در ظلمت غلیظ، ^{۱۰} که اینک زنی به استقبال وی می آمد، در لباس زانیه و در خباثت دل. ^{۱۱} زنی یاره گو و سرکش که پاپهانش در خانه اش قرار نمی گیرد. ^{۱۲} گاهی در کوچه ها و گاهی در شوارع عام، و نزد هر گوشه ای در کمین می باشد. ^{۱۳} پس او را بگرفت و بوسید و چهره خود را بی حیا ساخته، او را گفت: ^{۱۴} «نزد من ذبایح سلامتی است، زیرا که امروز نذرهای خود را وفا نمودم. ^{۱۵} از این جهت به استقبال تو بیرون آمدم، تا روی تو را به سعی تمام بطلم و حال تو را یافتم. ^{۱۶} بر بستر خود دوشکها گسترانیده ام، با دیباها از گنان مصری. ^{۱۷} بستر خود را با مر و عود و سلیخه معطر ساخته ام. ^{۱۸} بیاتاً صبح از عشق سیر شویم، و خویشتن را از محبت خرم سازیم. ^{۱۹} زیرا صاحبخانه در خانه نیست، و سفر دور رفته است. ^{۲۰} کیسه نقره ای به دست گرفته و تا روز بدر تمام مراجعت نخواهد نمود.»

^{۲۱} پس او را از زیادتی سخنانش فریفته کرد، و از تملق لبهانش او را اغوا نمود. ^{۲۲} در ساعت از عقب او مثل گاوی که به سلاخ خانه می رود، روانه شد و مانند احمق به زنجیرهای قصاص. ^{۲۳} تا تیر به جگرش فرورود، مثل گنجشکی که به دام می شتابد و نمی داند که به خطر جان خود می رود.

^{۲۴} پس حالای پسران مرا بشنوید، و به سخنان دهانم توجه نمایند. ^{۲۵} دل توبه راهبانش مایل نشود، و به طریقههایش گمراه مشو، ^{۲۶} زیرا که او بسیاری

را مجروح انداخته است، و جمیع کشتگانش زورآورانند. ۲۷ خانه او طریق هاویه است و به حجره های موت مودی می باشد.

۸

ندای حکمت

۱ آیا حکمت ندا نمی کند، و فطانت آواز خود را بلند نمی نماید؟ ۲ به سر مکان های بلند، به نگاره راه، در میان طریقها می ایستد. ۳ به جانب دروازه ها به دهنه شهر، نزد مدخل دروازه ها صدا می زند. ۴ که شما را ای مردان می خوانم و آواز من به بنی آدم است. ۵ ای جاهلان زیرکی را بفهمید و ای احمقان عقل راد رک نمایید. ۶ بشنوید زیرا که به امور عالیه تکلم می نمایم و گشادن لپایم استقامت است. ۷ دهانم به راستی تنطق می کند و لپایم شرارت را مکروه می دارد. ۸ همه سخنان دهانم برحق است و در آنها هیچ چیز کج یا معوج نیست. ۹ تمامی آنها نزد مرد فهم واضح است و نزد یابندگان معرفت مستقیم است. ۱۰ تادیب مرا قبول کنید و نه نقره را، و معرفت را بیشتر از طلای خالص. ۱۱ زیرا که حکمت از لعلها بهتر است، و جمیع نفایس را به او برابر توان کرد. ۱۲ من حکتم و در زیرکی سکونت دارم، و معرفت تدبیر را یافته ام. ۱۳ ترس خداوند، مکروه داشتن بدی است. غرور و تکبر و راه بد و دهان دروغگو را مکروه می دارم.

۱۴ مشورت و حکمت کامل از آن من است. من فهم هستم و قوت از آن من است. ۱۵ به من پادشاهان سلطنت می کنند، و داوران به عدالت فتوا می دهند. ۱۶ به من سروران حکمرانی می نمایند و شریفان و جمیع داوران جهان. ۱۷ من دوست می دارم آنانی را که مرا دوست می دارند. و هر که مرا به جد و جهد بطلبد مرا خواهد یافت. ۱۸ دولت و جلال با من است. توانگری جاودانی و عدالت. ۱۹ ثمره من از طلا و زر ناب بهتر است، و حاصل من از نقره خالص. ۲۰ در طریق عدالت می خرامم، در میان

راههای انصاف، ۲۱ تا مال حقیقی را نصیب مجبان خود گردانم، و خزینه های ایشان را مملو سازم.

۲۲ خداوند مرا مبداء طریق خود داشت، قبل از اعمال خویش از ازل. ۲۳ من از ازل برقرار بودم، از ابتدا پیش از بودن جهان. ۲۴ هنگامی که لجه هان بود من مولود شدم، وقتی که چشمه های پر از آب وجود نداشت. ۲۵ قبل از آنگاه کوهها برپا شود، پیش از تلها مولود گردیدم. ۲۶ چون زمین و صحراها را هنوز نساخته بود، و نه اول غبار ربع مسکون را. ۲۷ وقتی که او آسمان را مستحکم ساخت من آنجا بودم، و هنگامی که دایره را بر سطح لجه قرار داد. ۲۸ وقتی که افلاک را بالا استوار کرد، و چشمه های لجه را استوار گردانید. ۲۹ چون به دریا حد قرار داد، تا آنها از فرمان او تجاوز نکنند، و زمانی که بنیاد زمین را نهاد. ۳۰ آنگاه نزد او معمار بودم، و روز بروز شادی می نمودم، و همیشه به حضور او اهتزاز می کردم. ۳۱ و اهتزاز من در آبادی زمین وی، و شادی من باینی آدم می بود.

۳۲ پس الان ای پسران مرا بشنوید، و خوشبحال آنانی که طریقهای مرا نگاه دارند. ۳۳ تادیب را بشنوید و حکیم باشید، و آن را رد ننمایید. ۳۴ خوشبحال کسی که مرا بشنود، و هر روز نزد درهای من دیده بانی کند، و باهوهای دروازه های مرا محافظت نماید. ۳۵ زیرا هر که مرا یابد حیات را تحصیل کند، و رضامندی خداوند را حاصل نماید. ۳۶ و اما کسی که مرا خطا کند، به جان خود ضرر رساند، و هر که مرا دشمن دارد، موت را دوست دارد.

۹

دعوت حکمت و جهالت

۱ حکمت، خانه خود را بنا کرده، و هفت ستونهای خویش را تراشیده است. ۲ ذبایح خود را ذبح نموده و شراب خود را ممزوج ساخته و سفره خود را نیز آراسته است. ۳ کنیزان خود را فرستاده، ندا کرده است، بر پشتهای

بلندشهر. ۴ هر که جاهل باشد به اینجا بیاید، و هر که ناقص العقل است او را می گوید. ۵ بیاید از غذای من بخورید، و از شرابی که ممزوج ساخته ام بنوشید. ۶ جهالت را ترک کرده، زنده بمانید، و به طریق فهم سلوک نمایید. ۷ هر که استهزاکننده را تادیب نماید، برای خویشان رسوایی را تحصیل کند، و هر که شریر را تنبیه نماید برای او عیب می باشد. ۸ استهزاکننده را تنبیه منما مبادا از توفرت کند، اما مرد حکیم را تنبیه نما که تو را دوست خواهد داشت. ۹ مرد حکیم را پند ده که زیاده حکیم خواهد شد. مرد عادل را تعلیم ده که علمش خواهد افزود. ۱۰ ابتدای حکمت ترس خداوند است، و معرفت قدوس فطانت می باشد.

۱۱ زیرا که به واسطه من روزهای تو کثیر خواهد شد، و سالهای عمر از برایت زیاده خواهد گردید. ۱۲ اگر حکیم هستی، برای خویشان حکیم هستی. و اگر استهزا نمایی به تنهایی متحمل آن خواهی بود. ۱۳ زن احمق یاوه گو است، جاهل است و هیچ نمی داند، ۱۴ و نزد در خانه خود می نشیند، در مکانهای بلند شهر بر کرسی، ۱۵ تا راه روندگان را بخواند، و آتانی را که به راههای خود برستی می روند. ۱۶ هر که جاهل باشد به اینجا برگردد، و به ناقص العقل می گوید: ۱۷ «آبهای دزدیده شده شیرین است، و نان خفیه لذیذ می باشد.» ۱۸ و او نمی داند که مردگان در آنجا هستند، و دعوت شدگانش در عمقهای هاویه می باشند.

۱۰

امثال سلیمان

۱ امثال سلیمان: پسر حکیم پدر خود را مسرور می سازد، اما پسر احمق باعث حزن مادرش می شود. ۲ گنجهای شرارت منفعت ندارد، اما عدالت از موت رهایی می دهد. ۳ خداوند جان مرد عادل را نمی گذارد گرسنه بشود، اما آرزوی شریران را باطل می سازد.

- ۴ کسی که به دست سست کار می کند فقیر می گردد، اما دست چابک غنی می سازد.
- ۵ کسی که در تابستان جمع کند پسر عاقل است، اما کسی که در موسم حصاد می خوابد، پسر شرم آورنده است.
- ۶ بر سر عادلان برکت ها است، اما ظلم دهان شیران را می پوشاند.
- ۷ یادگار عادلان مبارک است، اما اسم شیران خواهد گندید.
- ۸ دانادل، احکام را قبول می کند، اما احمق پرگو تلف خواهد شد.
- ۹ کسی که به راستی راه رود، در امنیت سالک گردد، و کسی که راه خود را بچ می سازد آشکار خواهد شد.
- ۱۰ هر که چشمک می زند الم می رساند، اما احمق پرگو تلف می شود.
- ۱۱ دهان عادلان چشمه حیات است، اما ظلم دهان شیران را می پوشاند.
- ۱۲ بغض نزاعها می انگیزاند، اما محبت هر گناه را مستور می سازد.
- ۱۳ در لبهای فطانت پیشگان حکمت یافت می شود، اما خوب به جهت پشت مرد ناقص العقل است.
- ۱۴ حکیمان علم را ذخیره می کنند، اما دهان احمق نزدیک به هلاکت است.
- ۱۵ اموال دولتمدان شهر حصاردار ایشان می باشد، اما بینوایی فقیران هلاکت ایشان است.
- ۱۶ عمل مرد عادل مودی به حیات است، اما محصول شیر به گناه می انجامد.
- ۱۷ کسی که تادیب را نگاه دارد در طریق حیات است، اما کسی که تنبیه را ترک نماید گمراه می شود.
- ۱۸ کسی که بغض را می پوشاند دروغگویی باشد. کسی که بهتان را شیوع دهد احمق است.
- ۱۹ کثرت کلام از گناه خالی نمی باشد، اما آنکه لبایش را ضبط نماید عاقل است.
- ۲۰ زبان عادلان نقره خالص است، اما دل شیران لاشیء می باشد.

- ۲۱ لبهای عادلان بسیاری را رعایت می کند، اما احقمان از بی عقلی می میرند.
- ۲۲ برکت خداوند دولت مند می سازد، و هیچ زحمت بر آن نمی افزاید.
- ۲۳ جاهل در عمل بد اهتزاز دارد، و صاحب فطانت در حکمت.
- ۲۴ خوف شیران به ایشان می رسد، و آرزوی عادلان به ایشان عطا خواهد شد.
- ۲۵ مثل گذشتن گردباد، شیر نابود می شود، اما مرد عادل بنیاد جاودانی است.
- ۲۶ چنانکه سرکه برای دندان و دود برای چشمان است، همچنین است مرد کاهل برای آنانی که او را می فرستند.
- ۲۷ ترس خداوند عمر را طویل می سازد، اما سالهای شیران کوتاه خواهد شد.
- ۲۸ انتظار عادلان شادمانی است، اما امید شیران ضایع خواهد شد.
- ۲۹ طریق خداوند به جهت کاملان قلعه است، اما به جهت عاملان شر هلاکت می باشد.
- ۳۰ مرد عادل هرگز متحرک نخواهد شد، اما شیران در زمین ساکن نخواهند گشت.
- ۳۱ دهان صدیقان حکمت را می رویند، اما زبان دروغگویان از ریشه کنده خواهد شد.
- ۳۲ لبهای عادلان به امور مرضیه عارف است، اما دهان شیران پر از دروغها است.

۱۱

- ۱ ترازوی با تقلب نزد خداوند مکروه است، اما سنگ تمام پسندیده او است.
- ۲ چون تکبر می آید نجات می آید، اما حکمت با متواضعان است.
- ۳ کاملیت راستان ایشان را هدایت می کند، اما کجی خیانتکاران ایشان را هلاک می سازد.
- ۴ توانگری در روز غضب منفعت ندارد، اما عدالت از موت رهایی می بخشد.

- ۵ عدالت مرد کامل طریق او را راست می‌سازد، اما شیریر از شرارت خود هلاک می‌گردد.
- ۶ عدالت راستان ایشان را خلاصی می‌بخشد، اما خیانتکاران در خیانت خود گرفتار می‌شوند.
- ۷ چون مرد شیریر بمیرد امید او نابود می‌گردد، و انتظار زورآوران تلف می‌شود.
- ۸ مرد عادل از تنگی خلاص می‌شود و شیریره جای او می‌آید.
- ۹ مرد منافق به دهانش همسایه خود را هلاک می‌سازد، و عادلان به معرفت خویش نجات می‌یابند.
- ۱۰ از سعادت‌مندی عادلان، شهر شادی می‌کند، و از هلاکت شیریران ابتهاج می‌نماید.
- ۱۱ از برکت راستان، شهر مرتفع می‌شود، اما از دهان شیریران منهدم می‌گردد.
- ۱۲ کسی که همسایه خود را حقیر شمارد ناقص العقل می‌باشد، اما صاحب فطانت ساکت می‌ماند.
- ۱۳ کسی که به نمایی گردش می‌کند، سرها را فاش می‌سازد، اما شخص امین دل، امر را مخفی می‌دارد.
- ۱۴ جایی که تدبیر نیست مردم می‌افتند، اما سلامتی از کثرت مشیران است.
- ۱۵ کسی که برای غریب ضامن شود البته ضرر خواهد یافت، و کسی که ضمانت را مکروه دارد ایمن می‌باشد.
- ۱۶ زن نیکوسیرت عزت را نگاه می‌دارد، چنانکه زورآوران دولت را محافظت می‌نمایند.
- ۱۷ مرد رحیم به خویش‌تن احسان می‌نماید، اما مرد ستم کیش جسد خود را می‌رنجاند.
- ۱۸ شیریر اجرت فریبنده تحصیل می‌کند، اما کارنده عدالت مزد حقیقی را.

- ۱۹ چنانکه عدالت مودی به حیات است، همچنین هر که شرارت را پیروی نماید او را به موت می‌رساند.
- ۲۰ کج خلقان نزد خداوند مکروهند، اما کاملان طریق پسندیده او می‌باشند.
- ۲۱ یقین شریر مبرا نخواهد شد، اما ذریت عادلان نجات خواهند یافت.
- ۲۲ زن جمیله بی عقل حلقه زرین است در بینی گراز.
- ۲۳ آرزوی عادلان نیکویی محض است، اما انتظار شریران، غضب می‌باشد.
- ۲۴ هستند که می‌باشند و بیشتر می‌اندوزند و هستند که زیاده از آنچه شاید نگاه می‌دارند اما به نیازمندی می‌انجامد.
- ۲۵ شخص سخنی فربه می‌شود، و هر که سیراب می‌کند خود نیز سیراب خواهد گشت.
- ۲۶ هر که غله را نگاه دارد مردم او را لعنت خواهند کرد، اما بر سر فروشنده آن برکت خواهد بود.
- ۲۷ کسی که نیکویی را بطلبد رضامندی رامی جوید، و هر که بدی را بطلبد بر او عارض خواهد شد.
- ۲۸ کسی که بر توانگری خود توکل کند، خواهد افتاد، اما عادلان مثل برگ سبز شکوفه خواهند آورد.
- ۲۹ هر که اهل خانه خود را برنجاند نصیب او باد خواهد بود، و احمق بنده حکیم دلان خواهد شد.
- ۳۰ ثمره مرد عادل درخت حیات است، و کسی که جانها را صید کند حکیم است.
- ۳۱ اینک مرد عادل بر زمین جزا خواهد یافت، پس چند مرتبه زیاده مرد شریر و گناهکار.

۱۲

- ۱ هر که تادیب را دوست می‌دارد معرفت را دوست می‌دارد، اما هر که از تنبیه نفرت کند وحشی است.

- ۲ مرد نیکو رضامندی خداوند را تحصیل می‌نماید، اما او صاحب تدبیر فاسد را ملزم خواهد ساخت.
- ۳ انسان از بدی استوار نمی‌شود، اما ریشه عادلان جنبش نخواهد خورد.
- ۴ زن صالحه تاج شوهر خود می‌باشد، اما زنی که نخل سازد مثل پوسیدگی در استخوانهایش می‌باشد.
- ۵ فکرهای عادلان انصاف است، اما تدابیر شیران فریب است.
- ۶ سخن شیران برای خون در کمین است، اما دهان راستان ایشان را رهایی می‌دهد.
- ۷ شیران واژگون شده، نیست می‌شوند، اما خانه عادلان برقرار می‌ماند.
- ۸ انسان بر حسب عقلش ممدوح می‌شود، اما کج دلان نخل خواهند گشت.
- ۹ کسی که حقیر باشد و خادم داشته باشد، بهتر است از کسی که خویشتن را برافرازد و محتاج نان باشد.
- ۱۰ مرد عادل برای جان حیوان خود تفکرمی‌کند، اما رحمت‌های شیران ستم‌گیزی است.
- ۱۱ کسی که زمین خود را زرع کند از نان سیر خواهد شد، اما هر که اباطیل را پیروی نماید ناقص‌العقل است.
- ۱۲ مرد شریر به شکار بدکاران طمع می‌ورزد، اما ریشه عادلان میوه می‌آورد.
- ۱۳ در تقصیر لها دام مهلک است، اما مرد عادل از تنگی بیرون می‌آید.
- ۱۴ انسان از ثمره دهان خود از نیکویی سیرمی‌شود، و مکافات دست انسان به او رد خواهد شد.
- ۱۵ راه احمق در نظر خودش راست است، اما هر که نصیحت را بشنود حکیم است.
- ۱۶ غضب احمق فور آشکار می‌شود، اما خردمند نجالت را می‌پوشاند.
- ۱۷ هر که به راستی تنطق نماید عدالت را ظاهر می‌کند، و شاهد دروغ، فریب‌را.

- ۱۸ هستند که مثل ضرب شمشیر حرفهای باطل می‌زنند، اما زبان حکیمان شفا می‌بخشد.
- ۱۹ لب راستگو تا به ابد استوار می‌ماند، اما زبان دروغگو طرفه العینی است.
- ۲۰ در دل هر که تدبیر فاسد کند فریب است، اما مشورت دهندگان صلح را شادمانی است.
- ۲۱ هیچ بدی به مرد صالح واقع نمی‌شود، اما شیران از بلا پر خواهند شد.
- ۲۲ لبهای دروغگو نزد خداوند مکروه است، اما عاملان راستی پسندیده او هستند.
- ۲۳ مرد زیرک علم را مخفی می‌دارد، اما دل احمقان حماقت را شایع می‌سازد.
- ۲۴ دست شخص زرنگ سلطنت خواهد نمود، اما مرد کاهل بندگی خواهد کرد.
- ۲۵ کدورت دل انسان، او را منحنی می‌سازد، اما سخن نیکو او را شادمان خواهد گردانید.
- ۲۶ مرد عادل برای همسایه خود هادی می‌شود، اما راه شیران ایشان را گمراه می‌کند.
- ۲۷ مرد کاهل شکار خود را بریان نمی‌کند، اما زرنگی، توانگری گرانهای انسان است.
- ۲۸ در طریق عدالت حیات است، و درگذرگاههایش موت نیست.

۱۳

- ۱ پسر حکیم تادیب پدر خود را اطاعت می‌کند، اما استهزاکننده تهدید رانمی‌شوند.
- ۲ مرد از میوه دهانش نیکویی را می‌خورد، اما جان خیانتکاران، ظلم را خواهد خورد.
- ۳ هر که دهان خود را نگاه دارد جان خویش را محافظت نماید، اما کسی که لبهای خود را بگشاید هلاک خواهد شد.

- ۴ شخص کاهل آرزو می کند و چیزی پیدائی کند. اما شخص زرنگ فربه خواهد شد.
- ۵ مرد عادل از دروغ گفتن نفرت دارد، اما شیررسوا و نجمل خواهد شد.
- ۶ عدالت کسی را که در طریق خود کامل است محافظت می کند، اما شرارت، نگاهکاران را هلاک می سازد.
- ۷ هستند که خود را دولتمند می شمارند و هیچ ندارند، و هستند که خویشان را فقیری انگارند و دولت بسیار دارند.
- ۸ دولت شخص فدیبه جان او خواهد بود، اما فقیر تهدید را نخواهد شنید.
- ۹ نور عادلان شادمان خواهد شد، اما چراغ شیران خاموش خواهد گردید.
- ۱۰ از تکبر جز نزاع چیزی پیدا نمی شود، اما باآنانی که پند می پذیرند حکمت است.
- ۱۱ دولتی که از بطالت پیدا شود در تناقص می باشد، اما هر که به دست خود اندوزد در تزايد خواهد بود.
- ۱۲ امیدی که در آن تعویق باشد باعث بیماری دل است، اما حصول مراد درخت حیات می باشد.
- ۱۳ هر که کلام را خوار شمارد خویشان را هلاک می سازد، اما هر که از حکم می ترسد ثواب خواهد یافت.
- ۱۴ تعلیم مرد حکیم چشمه حیات است، تا از دامهای مرگ رهایی دهد.
- ۱۵ عقل نیکو نعمت را می بخشد، اما راه خیانتکاران، سخت است.
- ۱۶ هر شخص زیرک با علم عمل می کند. اما احق حماقت را منتشر می سازد.
- ۱۷ قاصد شیر در بلا گرفتار می شود، اما رسول امین شفا می بخشد.
- ۱۸ فقر و اهانت برای کسی است که تادیب را ترک نماید، اما هر که تنبیه را قبول کند محترم خواهد شد.

- ۱۹ آرزویی که حاصل شود برای جان شیرین است، اما اجتناب از بدی، مکروه احمقان می باشد.
- ۲۰ با حکیمان رفتار کن و حکیم خواهی شد، اما رفیق جاهلان ضرر خواهد یافت.
- ۲۱ بلا گناهکاران را تعاقب می کند، اما عادلان، جزای نیکو خواهند یافت.
- ۲۲ مرد صالح پسران پسران را ارث خواهد داد، و دولت نگاهکاران برای عادلان ذخیره خواهد شد.
- ۲۳ در مزرعه فقیران خوراک بسیار است، اما هستند که از بی انصافی هلاک می شوند.
- ۲۴ کسی که چوب را بازدارد، از پسر خویش نفرت می کند، اما کسی که او را دوست می دارد او را به سعی تمام تادیب می نماید.
- ۲۵ مرد عادل برای سیری جان خود می خورد، اما شکم شیران محتاج خواهد بود.

۱۴

- ۱ هر زن حکیم خانه خود را بنا می کند، اما زن جاهل آن را با دست خود خراب می نماید.
- ۲ کسی که به راستی خود سلوک می نماید از خداوند می ترسد، اما کسی که در طریق خود کج رفتار است او را تحقیر می نماید.
- ۳ در دهان احمق چوب تکبر است، اما لبهای حکیمان ایشان را محافظت خواهد نمود.
- ۴ جایی که گاو نیست، آخور پاک است، اما از قوت گاو، محصول زیاد می شود.
- ۵ شاهد امین دروغ نمی گوید، اما شاهد دروغ به کذب تنطق می کند.
- ۶ استهزاکننده حکمت را می طلبد و نمی یابد. اما به جهت مرد فهیم علم آسان است.

- ۷ از حضور مرد احمق دور شو، زیرا لبه‌ای معرفت را در او نخواهی یافت.
- ۸ حکمت مرد زیرک این است که راه خود را درک نماید، اما حماقت احمقان فریب است.
- ۹ احمقان به گناه استهزا می‌کنند، اما در میان راستان رضامندی است.
- ۱۰ دل شخص تلخی خویشتن را می‌داند، و غریب در خوشی آن مشارکت ندارد.
- ۱۱ خانه شیران منهدم خواهد شد، اما خیمه راستان شکوفه خواهد آورد.
- ۱۲ راهی هست که به نظر آدمی مستقیم می‌نماید، اما عاقبت آن، طرق موت است.
- ۱۳ هم در لهو و لعب دل غمگین می‌باشد، و عاقبت این خوشی حزن است.
- ۱۴ کسی که در دل مرتد است از راههای خودسیر می‌شود، و مرد صالح به خود سیر است.
- ۱۵ مرد جاهل هر سخن را باور می‌کند، اما مرد زیرک در رفتار خود تأمل می‌نماید.
- ۱۶ مرد حکیم می‌ترسد و از بدی اجتناب می‌نماید، اما احمق از غرور خود ایمن می‌باشد.
- ۱۷ مرد کج خلق، احمقانه رفتار می‌نماید، و مردم (از صاحب سوظن نفرت دارند.
- ۱۸ نصیب جاهلان حماقت است، اما معرفت، تاج زیرکان خواهد بود.
- ۱۹ بدکاران در حضور نیکان خم می‌شوند، و شیران نزد دروازه‌های عادلان می‌ایستند.
- ۲۰ همسایه فقیر نیز از او نفرت دارد، اما دوستان شخص دولتند بسیارند.
- ۲۱ هر که همسایه خود را حقیر شمارد گناه می‌ورزد، اما خوشبحال کسی که بر فقیران ترحم نماید.
- ۲۲ آیا صاحبان تدبیر فاسد گمراه نمی‌شوند، اما برای کسانی که تدبیر نیکو می‌نمایند، رحمت و راستی خواهد بود.

- ۲۳ از هر مشقتی منفعت است، اما کلام لها به فقر محض می انجامد.
- ۲۴ تاج حکیمان دولت ایشان است، اما حماقت احمقان حماقت محض است.
- ۲۵ شاهد امین جانها را نجات می بخشد، اما هر که به دروغ تنطق می کند فریب محض است.
- ۲۶ در ترس خداوند اعتماد قوی است، و فرزندان او را ملجا خواهد بود.
- ۲۷ ترس خداوند چشمه حیات است، تا از دامهای موت اجتناب نمایند.
- ۲۸ جلال پادشاه از کثرت مخلوق است، و شکستگی سلطان از کمی مردم است.
- ۲۹ کسی که دیر غضب باشد کثیر الفهم است، و کج خلق حماقت را به نصیب خود می برد.
- ۳۰ دل آرام حیات بدن است، اما حسد پوسیدگی استخوانها است.
- ۳۱ هر که بر فقیر ظلم کند آفریننده خود را حقیر می شمارد، و هر که بر مسکین ترحم کند او را تجید می نماید.
- ۳۲ شیر از شرارت خود به زیر افکنده می شود، اما مرد عادل چون بمیرد اعتماد دارد.
- ۳۳ حکمت در دل مرد فهیم ساکن می شود، اما در اندرون جاهلان آشکار می گردد.
- ۳۴ عدالت قوم را رفیع می گرداند، اما نگاه برای قوم، عار است.
- ۳۵ رضامندی پادشاه بر خادم عاقل است، اما غضب او بر پست فطرتان.

۱۵

- ۱ جواب نرم خشم را بر می گرداند، اما سخن تلخ غیظ را به هیجان می آورد.
- ۲ زبان حکیمان علم را زینت می بخشد، اما دهان احمقان به حماقت تنطق می نماید.
- ۳ چشمان خداوند در همه جا است، و بر بدان و نیکان می نگرد.
- ۴ زبان ملایم، درخت حیات است و کجی آن، شکستگی روح است.

- ۵ احق تادیب پدر خود را خوار می‌شمارد، اما هر که تنبیه را نگاه دارد زیرک می‌باشد.
- ۶ در خانه مرد عادل گنج عظیم است، اما محصول شیران، کدورت است.
- ۷ لبهای حکیمان معرفت را منتشر می‌سازد، اما دل احمقان، مستحکم نیست.
- ۸ قربانی شیران نزد خداوند مکروه است، اما دعای راستان پسندیده اوست.
- ۹ راه شیران نزد خداوند مکروه است، اما پیروان عدالت را دوست می‌دارد.
- ۱۰ برای هر که طریق را ترک نماید تادیب سخت است، و هر که از تنبیه نفرت کند خواهد مرد.
- ۱۱ هاوییه و ابدون در حضور خداوند است، پس چند مرتبه زیاده دلهای بنی آدم.
- ۱۲ استهزاکننده تنبیه را دوست ندارد، و نزد حکیمان نخواهد رفت.
- ۱۳ دل شادمان چهره را زینت می‌دهد، اما از تلخی دل روح منکسر می‌شود.
- ۱۴ دل مرد فهیم معرفت را می‌طلبد، اما دهان احمقان حماقت را می‌چرد.
- ۱۵ تمامی روزهای مصیبت کشان بد است، اما خوشی دل ضیافت دائمی است.
- ۱۶ اموال اندک با ترس خداوند بهتر است از گنج عظیم با اضطراب.
- ۱۷ خوان بقول در جایی که محبت باشد بهتر است، از گاو پرواری که با آن عداوت باشد.
- ۱۸ مرد تندخو نزاع را برمی‌انگیزد، اما شخص دیرغضب خصومت را ساکن می‌گرداند.
- ۱۹ راه کاهلان مثل خار بست است، اما طریق راستان شاهراه است.
- ۲۰ پسر حکیم پدر را شادمان می‌سازد، اما مرد احمق مادر خویش را حقیر می‌شمارد.

- ۲۱ حماقت در نظر شخص ناقص العقل خوشی است، اما مرد فهیم به راستی سلوک می‌نماید.
- ۲۲ از عدم مشورت، تدبیرها باطل می‌شود، اما از کثرت مشورت دهندگان برقرار می‌ماند.
- ۲۳ برای انسان از جواب دهانش شادی حاصل می‌شود، و سخنی که در محالش گفته شود چه بسیار نیکو است.
- ۲۴ طریق حیات برای عاقلان به سوی بالا است، تا از هابویه اسفل دور شود.
- ۲۵ خداوند خانه متکبران را منهدم می‌سازد، اما حدود بیوه‌زن را استوار می‌نماید.
- ۲۶ تدبیرهای فاسد نزد خداوند مکروه است، اما سخنان پسندیده برای طاهران است.
- ۲۷ کسی که حریص سود باشد خانه خود را مکرر می‌سازد، اما هر که از هدیه‌ها نفرت دارد خواهد زیست.
- ۲۸ دل مرد عادل در جواب دادن تفکر می‌کند، اما دهان شیرین، چیزهای بد را جاری می‌سازد.
- ۲۹ خداوند از شیرین دور است، اما دعای عادلان را می‌شنود.
- ۳۰ نور چشمان دل را شادمان می‌سازد، و خبر نیکو استخوانها را پر مغز می‌نماید.
- ۳۱ گوشی که تنبیه حیات را بشنود، در میان حکیمان ساکن خواهد شد.
- ۳۲ هر که تادیب را ترک نماید، جان خود را حقیر می‌شمارد، اما هر که تنبیه را بشنود عقل را تحصیل می‌نماید.
- ۳۳ ترس خداوند ادیب حکمت است، و تواضع پیشرو حرمت می‌باشد.

۱۶

- ۱ تدبیرهای دل از آن انسان است، اما تنطق زبان از جانب خداوند می‌باشد.
- ۲ همه راههای انسان در نظر خودش پاک است، اما خداوند روحها را ثابت می‌سازد.

- ۳ اعمال خود را به خداوند تفویض کن، تافکرهاى تو استوار شود.
- ۴ خداوند هر چیز را برای غایت آن ساخته است، و شیران را نیز برای روز بلا.
- ۵ هر که دل مغرور دارد نزد خداوند مکروه است، و او هرگز مبرا نخواهد شد.
- ۶ از رحمت و راستی، گناه کفاره می‌شود، و به ترس خداوند، از بدی اجتناب می‌شود.
- ۷ چون راههای شخص پسندیده خداوند باشد، دشمنانش را نیز با وی به مصالحه می‌آورد.
- ۸ اموال اندک که با انصاف باشد بهتر است، از دخل فراوان بدون انصاف.
- ۹ دل انسان در طریقتش تفکر می‌کند، اما خداوند قدمهایش را استوار می‌سازد.
- ۱۰ وحی بر لبهای پادشاه است، و دهان او دردآوری تجاوز نمی‌نماید.
- ۱۱ ترازو و سنگهای راست از آن خداوند است و تمامی سنگهای کیسه صنعت وی می‌باشد.
- ۱۲ عمل بد نزد پادشاهان مکروه است، زیرا که کرسی ایشان از عدالت برقرار می‌ماند.
- ۱۳ لبهای راستگو پسندیده پادشاهان است، و راستگویان را دوست می‌دارند.
- ۱۴ غضب پادشاهان، رسولان موت است امامرد حکیم آن را فرو می‌نشاند.
- ۱۵ در نور چهره پادشاه حیات است، و رضامندی او مثل ابر نوبهاری است.
- ۱۶ تحصیل حکمت از زر خالص چه بسیار بهتر است، و تحصیل فهم از نقره برگزیده تر.
- ۱۷ طریق راستان، اجتناب نمودن از بدی است، و هر که راه خود را نگاه دارد جان خویش را محافظت می‌نماید.
- ۱۸ تکبر پیش رو هلاکت است، و دل مغرور پیش رو خرابی.

- ۱۹ با تواضع نزد حلیمان بودن بهتر است، از تقسیم نمودن غنیمت با متکبران.
- ۲۰ هر که در کلام تعقل کند سعادت‌مندی خواهد یافت، و هر که به خداوند توکل نماید خوشبخت خواهد بود.
- ۲۱ هر که دل حکیم دارد فهم خوانده می‌شود، و شیرینی لبها علم را می‌افزاید.
- ۲۲ عقل برای صاحبش چشمه حیات است، اما تادیب احمقان، حماقت است.
- ۲۳ دل مرد حکیم دهان او را عاقل می‌گرداند، و علم را بر لبهایش می‌افزاید.
- ۲۴ سخنان پسندیده مثل شان عسل است، برای جان شیرین است و برای استخوانها شفا دهنده.
- ۲۵ راهی هست که در نظر انسان راست است، اما عاقبت آن راه، موت می‌باشد.
- ۲۶ اشتهای کارگر برایش کار می‌کند، زیرا که دهانش او را بر آن تحریض می‌نماید.
- ۲۷ مرد لئیم شرارت را می‌اندیشد، و بر لبهایش مثل آتش سوزنده است.
- ۲۸ مرد دروغگو نزاع می‌پاشد، و تمام دوستان خالص را از همدیگر جدا می‌کند.
- ۲۹ مرد ظالم همسایه خود را اغوا می‌نماید، و او را به راه غیر نیکو هدایت می‌کند.
- ۳۰ چشمان خود را بر هم می‌زند تا دروغ را اختراع نماید، و لبهایش را می‌خاید و بدی را به انجام می‌رساند.
- ۳۱ سفیدمویی تاج جمال است، هنگامی که در راه عدالت یافت شود.
- ۳۲ کسی که دیرغضب باشد از جبار بهتر است، و هر که بر روح خود مالک باشد از تسخیرکننده شهر افضل است.
- ۳۳ قرعه در دامن انداخته می‌شود، لیکن تمامی حکم آن از خداوند است.

۱۷

- ۱ لقمه خشک با سلامتی، بهتر است از خانه پر از ضیافت با محاصمت.
- ۲ بنده عاقل بر پسر پست فطرت مسلط خواهد بود، و میراث را با برادران تقسیم خواهد نمود.
- ۳ بوته برای نقره و کوره به جهت طلا است، اما خداوند امتحان کننده دلها است.
- ۴ شریر به لبهای دروغگو اصغا می کند، و مرد کاذب به زبان فتنه انگیز گوش می دهد.
- ۵ هر که فقیر را استهزا کند آفریننده خویش رامذمت می کند، و هر که از بلا خوش می شود بی سزا نخواهد ماند.
- ۶ تاج پیران، پسران پسرانند، و جلال فرزندان، پدران ایشانند.
- ۷ کلام کبرآمیز احمق را نمی شاید، و چند مرتبه زیاده لبهای دروغگو نجبا را.
- ۸ هدیه در نظر اهل آن سنگ گرانبها است که هر کجا توجه نماید برخوردار می شود.
- ۹ هر که گاهی را مستور کند طالب محبت می باشد، اما هر که امری را تکرار کند دوستان خالص را از هم جدا می سازد.
- ۱۰ یک ملامت به مرد فهیم اثر می کند، بیشتر از صد تازیانه به مرد جاهل.
- ۱۱ مرد شریر طالب فتنه است و بس. لهذا قصد ستمکیش نزد او فرستاده می شود.
- ۱۲ اگر خرسی که بچه هایش کشته شود به انسان برخورد، بهتر است از مرد احمق در حماقت خود.
- ۱۳ کسی که به عوض نیکویی بدی می کند بلا از خانه او دور نخواهد شد.
- ۱۴ ابتدای نزاع مثل رخنه کردن آب است، پس محاصمه را ترک کن قبل از آنکه به مجادله برسد.

- ۱۵ هر که شریر را عادل شمارد و هر که عادل را ملزم سازد، هر دوی ایشان نزد خداوند مکروهند.
- ۱۶ قیمت به جهت خریدن حکمت چرا به دست احمق باشد؟ و حال آنکه هیچ فهم ندارد.
- ۱۷ دوست خالص در همه اوقات محبت می‌نماید، و برادر به جهت تنگی مولود شده است.
- ۱۸ مرد ناقص العقل دست می‌دهد و در حضور همسایه خود ضامن می‌شود.
- ۱۹ هر که معصیت را دوست دارد منازعه را دوست می‌دارد، و هر که در خود را بلند سازد خرابی را می‌طلبد.
- ۲۰ کسی که دل بچ دارد نیکویی را نخواهد یافت. و هر که زبان دروغگو دارد در بلا گرفتار خواهد شد.
- ۲۱ هر که فرزند احمق آورد برای خویشتن غم پیدا می‌کند، و پدر فرزند ابله شادی نخواهد دید.
- ۲۲ دل شادمان شفای نیکو می‌بخشد، اما روح شکسته استخوانها را خشک می‌کند.
- ۲۳ مرد شریر رشوه را از بغل می‌گیرد، تاراههای انصاف را منحرف سازد.
- ۲۴ حکمت در مد نظر مرد فهم است، اما چشمان احمق در اقصای زمین می‌باشد.
- ۲۵ پسر احمق برای پدر خویش حزن است، و به جهت مادر خویش تلخی است.
- ۲۶ عادلان را نیز سرزنش نمودن خوب نیست، و نه ضرب زدن به نجبا به سبب راستی ایشان.
- ۲۷ صاحب معرفت سخنان خود را بازمی‌دارد، و هر که روح حلیم دارد مرد فطانت پیشه است.
- ۲۸ مرد احمق نیز چون خاموش باشد او را حکیم می‌شمارند، و هر که لبهای خود را می‌بندد فهم است.

۱۸

مرد معتزل، هوس خود را طالب

- ۱ می باشد، و به هر حکمت صحیح مجادله می کند.
- ۲ احمق از فطانت مسرور نمی شود، مگر تا آنکه عقل خود را ظاهر سازد.
- ۳ هنگامی که شریر می آید، حقارت هم می آید، و با اهانت، نجالت می رسد.
- ۴ سخنان دهان انسان آب عمیق است، و چشمه حکمت، نهر جاری است.
- ۵ طرفداری شیرین برای منحرف ساختن داوری عادلان نیکو نیست.
- ۶ لبهای احمق به منازعه داخل می شود، و دهانش برای ضربها صدا می زند.
- ۷ دهان احمق هلاکت وی است، و لبهایش برای جان خودش دام است.
- ۸ سخنان نمام مثل لقمه های شیرین است، و به عمق شکم فرو می رود.
- ۹ او نیز که در کار خود اهمال می کند برادر هلاک کننده است.
- ۱۰ اسم خداوند برج حصین است که مرد عادل در آن می دود و ایمن می باشد.
- ۱۱ توانگری شخص دولتمند شهر محکم او است، و در تصور وی مثل حصار بلند است.
- ۱۲ پیش از شکستگی، دل انسان متکبر می گردد، و تواضع مقدمه عزت است.
- ۱۳ هر که سخنی را قبل از شنیدنش جواب دهد برای وی حماقت و عار می باشد.
- ۱۴ روح انسان بیماری او را متحمل می شود، اما روح شکسته را کیست که متحمل آن بشود.
- ۱۵ دل مرد فهیم معرفت را تحصیل می کند، و گوش حکیمان معرفت را می طلبد.
- ۱۶ هدیه شخص، از برایش وسعت پیدای کند و او را به حضور بزرگان می رساند.

- ۱۷ هر که در دعوی خود اول آید صادق می‌نماید، اما حریفش می‌آید و او را می‌آزماید.
- ۱۸ قرعه نزاعها را ساکت می‌نماید و زورآوران را از هم جدا می‌کند.
- ۱۹ برادر رنجیده از شهر قوی سخت‌تر است، و منازعت با او مثل پشت بندهای قصر است.
- ۲۰ دل آدمی از میوه دهانش پرمی‌شود و از محصول لبایش، سیر می‌گردد.
- ۲۱ موت و حیات در قدرت زبان است، و آنانی که آن را دوست می‌دارند میوه‌اش را خواهند خورد.
- ۲۲ هر که زوجه‌ای یابد چیز نیکو یافته است، و رضامندی خداوند را تحصیل کرده است.
- ۲۳ مرد فقیر به تضرع تکلم می‌کند، اما شخص دولتمند به سختی جواب می‌دهد.
- ۲۴ کسی که دوستان بسیار دارد خویشان را هلاک می‌کند، اما دوستی هست که از برادرچسبنده تر می‌باشد.

۱۹

- ۱ فقیری که در کاملیت خود سالک است، از دروغگویی که احمق باشد بهتر است.
- ۲ دلی نیز که معرفت ندارد نیکو نیست و هر که به پایهای خویش می‌شتابد گناه می‌کند.
- ۳ حماقت انسان، راه او را بچ می‌سازد، و دلش از خداوند خشمناک می‌شود.
- ۴ توانگری دوستان بسیار پیدا می‌کند، اما فقیر از دوستان خود جدا می‌شود.
- ۵ شاهد دروغگو بی‌سزا نخواهد ماند، و کسی که به دروغ تنطق کند رهایی نخواهد یافت.
- ۶ بسیاری پیش امیران تذلل می‌نمایند، و همه کس دوست بذل‌کننده است.

۷. جمیع برادران مرد فقیر از او نفرت دارند، و به طریق اولی دوستانش از او دور می‌شوند، ایشان را به سخنان، تعاقب می‌کند و نیستند.
۸. هر که حکمت را تحصیل کند جان خود را دوست دارد. و هر که فطانت را نگاه دارد، سعادت‌مندی خواهد یافت.
۹. شاهد دروغ‌گویی سزا نخواهد ماند، و هر که به کذب تنطق نماید هلاک خواهد گردید.
۱۰. عیش و عشرت احمق را نمی‌شاید، تا چه رسد به غلامی که بر نجبا حکمرانی می‌کند.
۱۱. عقل انسان خشم او را نگاه می‌دارد، و گذشتن از تقصیر جلال او است.
۱۲. خشم پادشاه مثل غرش شیر است، و رضامندی او مثل شبنم بر گیاه است.
۱۳. پسر جاهل باعث الم پدرش است، و نزاع‌های زن مثل آبی است که دائم در چکیدن باشد.
۱۴. خانه و دولت ارث اجدادی است، اما زوجه عاقله از جانب خداوند است.
۱۵. کاهلی خواب سنگین می‌آورد، و شخص اهمال کار، گرسنه خواهد ماند.
۱۶. هر که حکم را نگاه دارد جان خویش را محافظت می‌نماید، اما هر که طریق خود را سبک گیرد، خواهد مرد.
۱۷. هر که بر فقیر ترحم نماید به خداوند قرض می‌دهد، و احسان او را به او رد خواهد نمود.
۱۸. پسر خود را تادیب نما زیرا که امید هست، اما خود را به کشتن او وامدار.
۱۹. شخص تندخو متحمل عقوبت خواهد شد، زیرا اگر او را خلاصی دهی آن را باید مکرر بجا آوری.
۲۰. پند را بشنو و تادیب را قبول نما، تا در عاقبت خود حکیم بشوی.

- ۲۱ فکرهاى بسيار در دل انسان است، اما آنچه ثابت ماند مشورت خداوند است.
- ۲۲ زينت انسان احسان او است، و فقير از دروغگو بهتر است.
- ۲۳ ترس خداوند مودى به حيات است، و هر که آن را دارد در سيري ساکن مى ماند، و به هيچ بلا گرفتار نخواهد شد.
- ۲۴ مرد کاهل دست خود را در بغلش پنهان مى کند، و آن را هم به دهان خود برنمى آورد.
- ۲۵ استهزاکننده را تاديب کن تا جاهلان زيرک شوند، و شخص فهم را تنبيه نما و معرفت را درک خواهد نمود.
- ۲۶ هر که بر پدر خود ستم کند و مادرش را براند، پسرى است که رسوايى و نجات مى آورد.
- ۲۷ اى پسر من شنيدن تعليمى را ترک نما، که تو را از کلام معرفت گمراه مى سازد.
- ۲۸ شاهد لئيم انصاف را استهزا مى کند، و دهان شريان نگاه را مى بلعد.
- ۲۹ قصاص به جهت استهزاکنندگان مهيب است، و تازيانه ها براى پشت احقران.

۲۰

- ۱ شراب استهزا مى کند و مسکرات عربده مى آورد، و هر که به آن فريفته شود حکيم نيست.
- ۲ هيئت پادشاه مثل غرش شير است، و هر که خشم او را به هيجان آورد، به جان خود خطامى ورزد.
- ۳ از نزاع دور شدن براى انسان عزت است، اما هر مرد احمق مجادله مى کند.
- ۴ مرد کاهل به سبب زمستان شيارنمى کند، لذا در موسم حصاد گدايى مى کند و نمى يابد.
- ۵ مشورت در دل انسان آب عميق است، اما مرد فهم آن را مى کشد.

- ۶ بسا کسانند که هر یک احسان خویش را اعلام می کنند، اما مرد امین را کیست که پیدا کند.
- ۷ مرد عادل که به کاملیت خود سلوک نماید، پسرانش بعد از او نجسته خواهند شد.
- ۸ پادشاهی که بر کرسی داوری نشیند، تمامی بدی را از چشمان خود پراکنده می سازد.
- ۹ کیست که تواند گوید: «دل خود را طاهر ساختم، و از نگاه خویش پاک شدم.»
- ۱۰ سنگهای مختلف و پیمانه های مختلف، هر دوی آنها نزد خداوند مکروه است.
- ۱۱ طفل نیز از افعالش شناخته می شود، که آیا اعمالش پاک و راست است یا نه.
- ۱۲ گوش شنوا و چشم بینا، خداوند هر دو آنها را آفریده است.
- ۱۳ خواب را دوست مدار مبادا فقیر شوی. چشمان خود را باز کن تا از نان سیر گردی.
- ۱۴ مشتری می گوید بد است، بد است، اما چون رفت آنگاه نخر می کند.
- ۱۵ طلا هست و لعلها بسیار، اما لبهای معرفت جواهر گرانبها است.
- ۱۶ جامه آنکس را بگیر که به جهت غریب ضامن است، و او را به رهن بگیر که ضامن بیگانگان است.
- ۱۷ نان فریب برای انسان لذیذ است، اما بعد دهانش از سنگ ریزه ها پر خواهد شد.
- ۱۸ فکرها به مشورت محکم می شود، و باحسن تدبیر جنگ نما.
- ۱۹ کسی که به تمامی گردش کند اسرار را فاش می نماید، لهذا با کسی که لبهای خود را می گشاید معاشرت منما.
- ۲۰ هر که پدر و مادر خود را لعنت کند چراغش در ظلمت غلیظ خاموش خواهد شد.

- ۲۱ اموالی که اولاً به تعجیل حاصل می‌شود، عاقبتش مبارک نخواهد شد.
- ۲۲ مگو که از بدی انتقام خواهم کشید، بلکه برخداوند توکل نما و تو را نجات خواهد داد.
- ۲۳ سنگهای مختلف نزد خداوند مکروه است، و ترازوهای متقلب نیکو نیست.
- ۲۴ قدمهای انسان از خداوند است، پس مرد راه خود را چگونه بفهمد؟
- ۲۵ شخصی که چیزی را به تعجیل مقدس می‌گوید، و بعد از نذر کردن استفسار می‌کند، دردام می‌افتد.
- ۲۶ پادشاه حکیم شریان را پراکنده می‌سازد و چوم را برایشان می‌گرداند.
- ۲۷ روح انسان، چراغ خداوند است که تمامی عمقهای دل را تفتیش می‌نماید.
- ۲۸ رحمت و راستی پادشاه را محافظت می‌کند، و کرسی او به رحمت پایدار خواهد ماند.
- ۲۹ جلال جوانان قوت ایشان است، و عزت پیران موی سفید.
- ۳۰ ضربهای سخت از بدی طاهر می‌کند و تازیانها به عمق دل فرو می‌رود.

۲۱

- ۱ دل پادشاه مثل نه‌های آب در دست خداوند است، آن را به هر سو که بخواهد برمی‌گرداند.
- ۲ هر راه انسان در نظر خودش راست است، اما خداوند دلها را می‌آزماید.
- ۳ عدالت و انصاف را بجا آوردن، نزد خداوند از قربانی‌ها پسندیده تر است.
- ۴ چشمان بلند و دل متکبر و چراغ شریان، گناه است.
- ۵ فکرهای مرد زرنگ تمام به فراخی می‌انجامد، اما هر که عجول باشد برای احتیاج تعجیل می‌کند.

- ۶ تحصیل گنجها به زبان دروغگو، بخاری است بر هوا شده برای جویندگان موت.
- ۷ ظلم شریران ایشان را به هلاکت می اندازد، زیرا که از بجا آوردن انصاف ابا می نمایند.
- ۸ طریق مردی که زیر بار (گناه) باشد بسیار کج است، اما اعمال مرد طاهر، مستقیم است.
- ۹ در زاویه پشت بام ساکن شدن بهتر است، از ساکن بودن با زن ستیزه گر در خانه مشترک.
- ۱۰ جان شریر مشتاق شرارت است، و بر همسایه خود ترحم نمی کند.
- ۱۱ چون استهزاکننده سیاست یابد جاهلان حکمت می آموزند، و چون مرد حکیم تربیت یابد معرفت را تحصیل می نماید.
- ۱۲ مرد عادل در خانه شریر تامل می کند که چگونه اشرار به تباهی واژگون می شوند.
- ۱۳ هر که گوش خود را از فریاد فقیر می بندد، او نیز فریاد خواهد کرد و مستجاب نخواهد شد.
- ۱۴ هدیه ای در خفا خشم را فرو می نشاند، و رشوه ای در بغل، غضب سخت را.
- ۱۵ انصاف کردن خرمی عادلان است، اما باعث پریشانی بدکاران می باشد.
- ۱۶ هر که از طریق تعقل گمراه شود، در جماعت مردگان ساکن خواهد گشت.
- ۱۷ هر که عیش را دوست دارد محتاج خواهد شد، و هر که شراب و روغن را دوست دارد دولت مند نخواهد گردید.
- ۱۸ شریران فدیة عادلان می شوند و خیانتکاران به عوض راستان.
- ۱۹ در زمین بلیر ساکن بودن بهتر است از بودن با زن ستیزه گر و جنگجوی.

- ۲۰ در منزل حکیمان خزانه مرغوب و روغن است، اما مرد احمق آنها را تلف می‌کند.
- ۲۱ هر که عدالت و رحمت را متابعت کند، حیات و عدالت و جلال خواهد یافت.
- ۲۲ مرد حکیم به شهر جباران بر خواهد آمد، و قلعه اعتماد ایشان را به زیر می‌اندازد.
- ۲۳ هر که دهان و زبان خویش را نگاه دارد، جان خود را از تنگیها محافظت می‌نماید.
- ۲۴ مرد متکبر و مغرور مسمی به استهزا کننده می‌شود، و به افزونی تکبر عمل می‌کند.
- ۲۵ شهوت مرد کاهل او را می‌کشد، زیرا که دستپایش از کار کردن ابا می‌نماید.
- ۲۶ هستند که همه اوقات به شدت حریص می‌باشند، اما مرد عادل بذل می‌کند و امساک نمی‌نماید.
- ۲۷ قربانی‌های شیران مکروه است، پس چند مرتبه زیاده هنگامی که به عوض بدی آنها را می‌گذرانند.
- ۲۸ شاهد دروغگو هلاک می‌شود، اما کسی که استماع نماید به راستی تکلم خواهد کرد.
- ۲۹ مرد شیرروی خود را بی‌حیا می‌سازد، و مرد راست، طریق خویش را مستحکم می‌کند.
- ۳۰ حکمتی نیست و نه فطانتی و نه مشورتی که به ضد خداوند به کار آید.
- ۳۱ اسب برای روز جنگ مهیا است، اما نصرت از جانب خداوند است.

۲۲

- ۱ نیک نامی از کثرت دولتندی افضل است، و فیض از نقره و طلا بهتر.
- ۲ دولتمد و فقیر با هم ملاقات می‌کنند، آفریننده هر دوی ایشان خداوند است.

- ۳ مرد زیرک، بلا را می بیند و خویشتن را مخفی می سازد و جاهلان می گذرند و در عقوبت گرفتار می شوند.
- ۴ جزای تواضع و خداترسی، دولت و جلال و حیات است.
- ۵ خارها و دامها در راه جگروان است، اما هر که جان خود را نگاه دارد از آنها دور می شود.
- ۶ طفل را در راهی که باید برود تربیت نما، و چون پیر هم شود از آن انحراف نخواهد ورزید.
- ۷ توانگر بر فقیر تسلط دارد، و مدیون غلام طلب کار می باشد.
- ۸ هر که ظلم بکارد بلا خواهد دروید، و عصای غضبش زایل خواهد شد.
- ۹ شخصی که نظر او باز باشد مبارک خواهد بود، زیرا که از نان خود به فقرا می دهد.
- ۱۰ استهزاکننده را دور نما و نزاع رفع خواهد شد، و مجادله و نجالت ساکت خواهد گردید.
- ۱۱ هر که طهارت دل را دوست دارد، و لبهای ظریف دارد پادشاه دوست او می باشد.
- ۱۲ چشمان خداوند معرفت را نگاه می دارد و سخنان خیانتکاران را باطل می سازد.
- ۱۳ مرد کاهل می گوید شیر بیرون است، و در کوچها کشته می شوم.
- ۱۴ دهان زنان بیگانه چاه عمیق است، و هر که مغضوب خداوند باشد در آن خواهد افتاد.
- ۱۵ حماقت در دل طفل بسته شده است، اما چوب تادیب آن را از او دور خواهد کرد.
- ۱۶ هر که بر فقیر برای فایده خویش ظلم نماید، و هر که به دولتندان بخشد البته محتاج خواهد شد.

۱۷ گوش خود را فرا داشته، کلام حکما را بشنو، و دل خود را به تعلیم من مایل گردان،^{۱۸} زیرا پسندیده است که آنها را در دل خود نگاه داری، و بر لبه‌ایت جمیع ثابت ماند،^{۱۹} تا اعتماد تو بر خداوند باشد. امروز تو را تعلیم دادم،^{۲۰} آیا امور شریف را برای تو ننوشتم؟ شامل بر مشورت معرفت،^{۲۱} تا قانون کلام راستی را اعلام نمایم، و تو کلام راستی را نزد فرستندگان خود پس ببری؟

۲۲ فقیر را از آن جهت که ذلیل است تاراج منما، و مسکین را در دربار، ستم مرسان،^{۲۳} زیرا خداوند دعوی ایشان را فیصل خواهد نمود، و جان تاراج کنندگان ایشان را به تاراج خواهد داد.

۲۴ با مرد تندخو معاشرت مکن، و با شخص کج خلق همراه مباش،^{۲۵} مبادا راههای او را آموخته شوی و جان خود را در دام گرفتار سازی. ^{۲۶} از جمله آنانی که دست می‌دهند مباش و نه از آنانی که برای قرضها ضامن می‌شوند.

۲۷ اگر چیزی نداری که ادا نمایی پس چرا بستر تو را از زیرت بردارد. ^{۲۸} حد قدیمی را که پدران قرار داده اند منتقل مساز. ^{۲۹} آیا مردی را که در شغل خویش ماهر باشد می‌بینی؟ او در حضور پادشاهان خواهد ایستاد، پیش پست فطرتان نخواهد ایستاد.

۲۳

۱ چون با حاکم به غذا خوردن نشینی، در آنچه پیش روی تو است تامل نما.

۲ و اگر مرد اکول هستی کارد بر گلوی خود بگذار. ^۳ به خورا کهای لطیف او حریص مباش، زیرا که غذای فریبنده است. ^۴ برای دولت مند شدن خود را زحمت مرسان و از عقل خود باز ایست. ^۵ آیا چشمان خود را بر آن خواهی دوخت که نیست می‌باشد؟ زیرا که دولت البته برای خود بالها می‌سازد، و مثل عقاب در آسمان می‌پرد.

۶ نان مرد تنگ نظر را خور، و به جهت خورا کهای لطیف او حریص مباش.

۷ زیرا چنانکه در دل خود فکر می کند خود او همچنان است. تو را می گوید: بخور و بنوش، اما دلش با تو نیست.

۸ لقمه ای را که خورده ای قی خواهی کرد، و سخنان شیرین خود را بر باد خواهی داد.

۹ به گوش احمق سخن مگو، زیرا حکمت کلامت را خوار خواهد شمرد.

۱۰ حد قدیم را منتقل مساز، و به مزرعه یتیمان داخل مشو،^{۱۱} زیرا که

ولی ایشان زور آور است، و با تو درد عوی ایشان مقاومت خواهد کرد.

۱۲ دل خود را به ادب مایل گردان، و گوش خود را به کلام معرفت.

۱۳ از طفل خود تادیب را باز مدار که اگر او را با چوب بزنی نخواهد

مرد،^{۱۴} پس او را با چوب بزنی، و جان او را از هارویه نجات خواهی داد.

۱۵ ای پسر من اگر دل تو حکیم باشد، دل من (بلی دل) من شادمان

خواهد شد.

۱۶ و گرده هایم وجد خواهد نمود، هنگامی که لبهای تو به راستی متکلم

شود.

۱۷ دل تو به جهت نگاه کاران غیور نباشد، اما به جهت ترس خداوند

تمامی روز غیور باش،^{۱۸} زیرا که البته آخرت هست، و امید تو منقطع نخواهد

شد.

۱۹ پس تو ای پسر من بشنو و حکیم باش، و دل خود را در طریق مستقیم

گردان.

۲۰ از زمره میگساران مباش، و از آنانی که بدنهای خود را تلف

می کنند.

۲۱ زیرا که میگسار و مسرف، فقیر می شود و صاحب خواب به خرقة ها

ملبس خواهد شد.

۲۲ پدر خویش را که تو را تولید نمود گوش گیر، و مادر خود را چون

پیر شود خوار مشمار.

- ۲۳ راستی را بخر و آن را بفروش، و حکمت و ادب و فهم را.
- ۲۴ پدر فرزند عادل به غایت شادمان می‌شود، و والد پسر حکیم از او مسرور خواهد گشت.
- ۲۵ پدرت و مادرت شادمان خواهند شد، و والده تو مسرور خواهد گردید.
- ۲۶ ای پسر من دل خود را به من بده، و چشمان تو به راههای من شاد باشد، ۲۷ چونکه زن زانیه حفره‌ای عمیق است، و زن بیگانه چاه تنگ.
- ۲۸ او نیز مثل راهزن در کمین می‌باشد، و خیانتکاران را در میان مردم می‌افزاید.
- ۲۹ وای از آن کیست و شقاوت از آن که و نزاعها از آن کدام و زاری از آن کیست و جراحت های بی سبب از آن که و سرخی چشمان از آن کدام؟
- ۳۰ آنانی را است که شرب مدام می‌نمایند، و برای چشیدن شراب مزوج داخل می‌شوند.
- ۳۱ به شراب نگاه مکن وقتی که سرخ‌فام است، حینی که حبابهای خود را در جام ظاهر می‌سازد، و به ملائمت فرو می‌رود.
- ۳۲ اما در آخر مثل مار خواهد گزید، و مانند افعی نیش خواهد زد.
- ۳۳ چشمان تو چیزهای غریب را خواهد دید، و دل تو به چیزهای کج تنطق خواهد نمود، ۳۴ و مثل کسی که در میان دریا می‌خوابد خواهی شد، یا مانند کسی که بر سر دکل کشتی می‌خسبد، ۳۵ و خواهی گفت: مرا زدند لیکن درد را احساس نکردم، مرا زجر نمودند لیکن نفهمیدم. پس کی بیدار خواهم شد؟ همچنین معاودت می‌کنم و بار دیگر آن را می‌طلبم.

۲۴

- ۱ بر مردان شریر حسد مبر، و آرزو مدارتا با ایشان معاشرت نمایی، ۲ زیرا که دل ایشان در ظلم تفکر می‌کند و لبهای ایشان درباره مشقت تکلم می‌نماید.

- ۳ خانه به حکمت بنا می شود، و با فطانت استوار می گردد،^۴ و به معرفت اطاقها پر می شود، از هر گونه اموال گرانها و نفایس.
- ۵ مرد حکیم در قدرت می ماند، و صاحب معرفت در توانایی ترقی می کند،^۶ زیرا که با حسن تدبیر باید جنگ بکفی، و از کثرت مشورت دهندگان نصرت است.
- ۷ حکمت برای احمق زیاده بلند است، دهان خود را در دربار باز نمی کند.
- ۸ هر که برای بدی تفکر می کند، او را فتنه انگیزی گویند.
- ۹ فکر احمقان گناه است، و استهزا کننده نزد آدمیان مکروه است.
- ۱۰ اگر در روز تنگی سستی نمایی، قوت توتنگ می شود.
- ۱۱ آنانی را که برای موت برده شوند خلاص کن، و از رهانیدن آنانی که برای قتل مهیا اند کوتاهی منما.
- ۱۲ اگر گویی که این را ندانستیم، آیا آزماینده دلها نمی فهمد؟ و حافظ جان تو نمی داند؟ و به هر کس بر حسب اعمالش مکافات نخواهد داد؟
- ۱۳ ای پسر من عسل را بخور زیرا که خوب است، و شان عسل را چونکه به کامت شیرین است.
- ۱۴ همچنین حکمت را برای جان خود بیاموز، اگر آن را بیابی آنگاه اجرت خواهد بود، و امید تو منقطع نخواهد شد.
- ۱۵ ای شیریر برای منزل مرد عادل در کمین مباش، و آرامگاه او را خراب مکن،^{۱۶} زیرا مرد عادل اگر چه هفت مرتبه بیفتد خواهد برخاست، اما شیریران در بلا خواهند افتاد.
- ۱۷ چون دشمنت بیفتد شادی مکن، و چون بلغزد دلت وجد ننماید،
- ۱۸ مبادا خداوند این را ببیند و در نظرش ناپسند آید، و غضب خود را از او برگرداند.
- ۱۹ خویشتن را به سبب بدکاران رنجیده مساز، و بر شیریران حسد مبر،
- ۲۰ زیرا که به جهت بدکاران اجر نخواهد بود، و چراغ شیریران خاموش خواهد گردید.

۲۱ ای پسر من از خداوند و پادشاه بترس، و بامفسدان معاشرت منما،
 ۲۲ زیرا که مصیبت ایشان ناگهان خواهد برخاست، و عاقبت سالهای ایشان
 را کیست که بدانند؟

بقیه سخنان حکیمان

۲۳ اینها نیز از سخنان (حکیمان است طرفداری در داوری نیکو نیست.
 ۲۴ کسی که به شریر بگوید تو عادل هستی، امتها او را لعنت خواهند
 کرد و طوایف از او نفرت خواهند نمود.
 ۲۵ اما برای آنانی که او را توییح نمایند شادمانی خواهد بود، و برکت نیکو
 به ایشان خواهد رسید.

۲۶ آنکه به کلام راست جواب گوید لبها رامی بوسد.
 ۲۷ کار خود را در خارج آراسته کن، و آن را در ملک مهیا ساز، و بعد
 از آن خانه خویش را بنا نما.
 ۲۸ بر همسایه خود بی جهت شهادت مده، و بالبهای خود فریب مده،
 ۲۹ و مگوبه طوری که او به من عمل کرد من نیز با وی عمل خواهم نمود،
 و مرد را بر حسب اعمالش پاداش خواهم داد.

۳۰ از مزرعه مرد کاهل، و از تاکستان شخص ناقص العقل گذشتم.
 ۳۱ و اینک بر تمامی آن خارها می روید، و خس تمامی روی آن را
 می پوشانید، و دیوار سنگیش خراب شده بود، ۳۲ پس من نگریسته متفکر
 شدم، ملاحظه کردم و ادب آموختم.

۳۳ اندکی خفت و اندکی خواب، و اندکی بر هم نهادن دستها به جهت
 خواب.

۳۴ پس فقر تو مثل راهزن بر تو خواهد آمد، و نیازمندی تو مانند مرد
 مسلح.

- ۱ اینها نیز از امثال سلیمان است که مردان حزقیاء، پادشاه یهودا آنها را نقل نمودند.
- ۲ مخفی داشتن امر جلال خدا است، و تفحص نمودن امر جلال پادشاهان است.
- ۳ آسمان را در بلندیش و زمین را در عمقش، و دل پادشاهان را تفتیش نتوان نمود.
- ۴ درد را از نقره دور کن، تا ظرفی برای زرگریرون آید.
- ۵ شیرین را از حضور پادشاه دور کن، تا کرسی او در عدالت پایدار بماند.
- ۶ در حضور پادشاه خویشتن را برمیفرز، و در جای بزرگان مایست،
- ۷ زیرا بهتر است تو را گفته شود که اینجا بالا بیا، از آنکه به حضور سروری که چشمانت او رادیده است تو را پایین برند.
- ۸ برای نزاع به تعجیل بیرون مرو، مبادا در آخرش چون همسایه ات تو را نخجل سازد، ندانی که چه باید کرد.
- ۹ دعوی خود را با همسایه ات بکن، اما رازدگیری را فاش مساز،
- ۱۰ مبادا هر که بشنود تو را ملامت کند، و بدنامی تو رفع نشود.
- ۱۱ سخنی که در محلس گفته شود، مثل سیبهای طلا در مرصعکاری نقره است.
- ۱۲ مودب حکیم برای گوش شنوا، مثل حلقه طلا و زیور زر خالص است.
- ۱۳ رسول امین برای فرستندگان خود، چون خنکی یخ در موسم حصاد می باشد، زیرا که جان آقیان خود را تازه می کند.
- ۱۴ کسی که از بخششهای فریبنده خود نفرمی کند، مثل ابرها و باد بی باران است.
- ۱۵ با تحمل داور را به رای خود توان آورد، و زبان ملائیم، استخوان را می شکند.
- ۱۶ اگر غسل یافتی بقدر کفایت بخور، مبادا از آن پر شده، قی کنی.

۱۷ پای خود را از زیاد رفتن به خانه همسایه ات باز دار، مبادا از تو سیر شده، از تونفرت نماید.

۱۸ کسی که درباره همسایه خود شهادت دروغ دهد، مثل تبرزین و شمشیر و تبر تیز است.

۱۹ اعتماد بر خیانتکار در روز تنگی، مثل دندان کرم زده و پای مرتعش می باشد.

۲۰ سرآیدن سرودها برای دلتنگ، مثل کندن جامه در وقت سرما و ریختن سرکه بر شوره است.

۲۱ اگر دشمن تو گرسنه باشد او را نان بخوران، و اگر تشنه باشد او را آب بنوشان، ۲۲ زیرا اخگرها بر سرش خواهی انباشت، و خداوند تو را پاداش خواهد داد.

۲۳ چنانکه باد شمال باران می آورد، همچنان زبان غیبتگو چهره را خشمناک می سازد.

۲۴ ساکن بودن در گوشه پشت بام بهتر است از بودن با زن جنگجو در خانه مشترک.

۲۵ خبر خوش از ولایت دور، مثل آب سرد برای جان تشنه است.

۲۶ مرد عادل که پیش شیر خیم شود، مثل چشمه گل آلود و منبع

فاسد است. ۲۷ زیاد عسل خوردن خوب نیست، همچنان طلبیدن جلال خود جلال نیست.

۲۸ کسی که بر روح خود تسلط ندارد، مثل شهر منهدم و بی حصار است.

۲۶

۱ چنانکه برف در تابستان و باران در حصاد، همچنین حرمت برای احمق شایسته نیست.

۲ لعنت، بی سبب نمی آید، چنانکه گنجشک در طیران و پرستوک در پریدن.

۳ شلاق به جهت اسب و لگام برای الاغ، و چوب از برای پشت احمقان است.

- ۴ احمق را موافق حماقتش جواب مده، مباداتو نیز مانند او بشوی.
- ۵ احمق را موافق حماقتش جواب بده، مبادا خویشتن را حکیم بشمارد.
- ۶ هر که پیغمی به دست احمق بفرستد، پایهای خود را می برد و ضرر خود را می نوشد.
- ۷ ساقهای شخص لنگ بی تمکین است، ومثلی که از دهان احمق برآید همچنان است.
- ۸ هر که احمق را حرمت کند، مثل کیسه جواهر در توده سنگها است.
- ۹ مثلی که از دهان احمق برآید، مثل خاری است که در دست شخص مست رفته باشد.
- ۱۰ تیرانداز همه را مجروح می کند، همچنان است هر که احمق را به مزه گیرد و خطا کاران را اجیر نماید.
- ۱۱ چنانکه سگ به تی خود برمی گردد، همچنان احمق حماقت خود را تکرار می کند.
- ۱۲ آیا شخصی را می بینی که در نظر خود حکیم است، امید داشتن بر احمق از امید بر او بیشتر است.
- ۱۳ کاهل می گوید که شیر در راه است، واسددر میان کوچه ها است.
- ۱۴ چنانکه در بر پاشنه اش می گردد، همچنان کاهل بر بستر خویش.
- ۱۵ کاهل دست خود را در قاب فرو می برد و از برآوردن آن به دهانش خسته می شود.
- ۱۶ کاهل در نظر خود حکیمتر است از هفت مرد که جواب عاقلانه می دهند.
- ۱۷ کسی که برود و در نزاعی که به او تعلق ندارد متعرض شود، مثل کسی است که گوشهای سگ را بگیرد.
- ۱۸ آدم دیوانه ای که مشعلها و تیرها و موت را می اندازد، ۱۹ مثل کسی است که همسایه خود را فریب دهد، و می گوید آیا شوخی نمی کردم؟
- ۲۰ از نبودن هیزم آتش خاموش می شود، و از نبودن تمام منازعه ساکت می گردد.

- ۲۱ زغال برای اخگرها و هیزم برای آتش است، و مرد فتنه انگیز به جهت برانگیختن نزاع.
- ۲۲ سخنان نمام مثل خوراک لذیذ است، که به عمقهای دل فرو می رود.
- ۲۳ لبهای پرمحبت با دل شیرین، مثل نقره‌ای پردرد است که بر ظرف سفالین اندوده شود.
- ۲۴ هر که بغض دارد با لبهای خود نیرنگ می نماید، و در دل خود فریب را ذخیره می کند.
- ۲۵ هنگامی که سخن نیکو گوید، او را باور مکن زیرا که در قلبش هفت چیز مکروه است.
- ۲۶ هر چند بغض او به حيله مخفی شود، اما خیاباث او در میان جماعت ظاهر خواهد گشت.
- ۲۷ هر که حفره‌ای بکند در آن خواهد افتاد، و هر که سنگی بغلطاند بر او خواهد برگشت.
- ۲۸ زبان دروغگو از مجروح شدگان خود نفرت دارد، و دهان چاپلوس هلاکت را ایجاد می کند.

۲۷

- ۱ درباره فردا نغمه نمانما، زیرا نمی دانی که روز چه خواهد زاید.
- ۲ دیگری تو را بستاید و نه دهان خودت، غریبی و نه لبهای تو.
- ۳ سنگ سنگین است و ریگ ثقیل، اما خشم احمق از هر دوی آنها سنگینتر است.
- ۴ غضب ستم کیش است و خشم سیل، اما کیش است که در برابر حسد تواند ایستاد.
- ۵ تنبیه آشکار از محبت پنهان بهتر است.
- ۶ جراحات دوست وفادار است، اما بوسه های دشمن افراط است.
- ۷ شکم سیر از شان عسل کراهت دارد، اما برای شکم گرسنه هر تلخی شیرین است.

- ۸ کسی که از مکان خود آواره بشود، مثل گنجشکی است که از آشیانه‌اش آواره گردد.
- ۹ روغن و عطر دل را شاد می‌کند، همچنان حلاوت دوست از مشورت دل.
- ۱۰ دوست خود و دوست پدرت را ترک منما، و در روز مصیبت خود به خانه برادرت داخل مشو، زیرا که همسایه نزدیک از برادر دور بهتر است.
- ۱۱ ای پسر من حکمت پیاموز و دل مرا شاد کن، تا ملامت کنندگان خود را مجاب سازم.
- ۱۲ مرد زیرک، بلا را می‌بیند و خویشتن را مخفی می‌سازد، اما جاهلان می‌گذرند و در عقوبت گرفتار می‌شوند.
- ۱۳ جامه آن کس را بگیر که به جهت غریب ضامن است، و او را به رهن بگیر که ضامن بیگانگان است.
- ۱۴ کسی که صبح زود برخاسته، دوست خود را به آواز بلند برکت دهد، از برایش لعنت محسوب می‌شود.
- ۱۵ چکیدن دائمی آب در روز باران، و زن ستیزه‌جو مشابه‌اند.
- ۱۶ هر که او را بازدارد مثل کسی است که باد رانگاه دارد، یا روغن را که در دست راست خود گرفته باشد.
- ۱۷ آهن، آهن را تیز می‌کند، همچنین مرد روی دوست خود را تیز می‌سازد.
- ۱۸ هر که درخت انجیر را نگاه دارد میوه‌اش را خواهد خورد، و هر که آقای خود را ملازمت نماید محترم خواهد شد،^{۱۹} چنانکه در آب صورت به صورت است، همچنان دل انسان به انسان.
- ۲۰ هاویه و ابدون سیر نمی‌شوند، همچنان چشمان انسان سیر نخواهند شد.
- ۲۱ بوته برای نقره و کوره به جهت طلاست، همچنان انسان از دهان ستایش کنندگان خود (آزموده می‌شود).
- ۲۲ احمق را میان بلغور در هاون با دسته بکوب، و حماقتش از آن بیرون نخواهد رفت.

۲۳ به حالت گله خود نیکو توجه نما، و دل خود را به رمه خود مشغول ساز، ۲۴ زیرا که دولت دائمی نیست، و تاج هم نسلا بعد نسل (پایدار) نی. ۲۵ علف را می برند و گیاه سبز می روید، و علوفه کوهها جمع می شود، ۲۶ بره ها برای لباس تو، و بزها به جهت اجاره زمین به کار می آیند، ۲۷ و شیر بزها برای خوراک تو و خوراک خاندانت، و معیشت کنیزانت کفایت خواهد کرد.

۲۸

شیران می گیرند جایی که

- ۱ تعاقب کننده ای نیست، اما عادلان مثل شیر شجاعند.
- ۲ از معصیت اهل زمین حاکمانش بسیاری شوند، اما مرد فهم و دانا استقامتش برقرار خواهد ماند.
- ۳ مرد رئیس که بر مسکینان ظلم می کند مثل باران است که سیلان کرده، خوراک باقی نگذارد.
- ۴ هر که شریعت را ترک می کند شیران را می ستاید، اما هر که شریعت را نگاه دارد از ایشان نفرت دارد.
- ۵ مردمان شریر انصاف را درک نمی نمایند، اما طالبان خداوند همه چیز را می فهمند.
- ۶ فقیری که در کاملیت خود سلوک نماید بهتر است از کج رونده دور راه اگرچه دولت مند باشد.
- ۷ هر که شریعت را نگاه دارد پسری حکیم است، اما مصاحب مسرفان، پدر خویش را رسوای سازد.
- ۸ هر که مال خود را به ربا و سود بیفزاید، آن را برای کسی که بر فقیران ترحم نماید، جمع می نماید.
- ۹ هر که گوش خود را از شنیدن شریعت برگرداند، دعای او هم مکروه می شود.

- ۱۰ هر که راستان را به راه بد گمراه کند به حفره خود خواهد افتاد، اما صالحان نصیب نیکو خواهند یافت.
- ۱۱ مرد دولتمند در نظر خود حکیم است، اما فقیر خردمند او را تفتیش خواهد نمود.
- ۱۲ چون عادلان شادمان شوند نخر عظیم است، اما چون شیران برافراشته شوند مردمان خود را مخفی می سازند.
- ۱۳ هر که گناه خود را پوشاند برخوردار نخواهد شد، اما هر که آن را اعتراف کند و ترک نماید رحمت خواهد یافت.
- ۱۴ خوشبجالی کسی که دائم می ترسد، اما هر که دل خود را سخت سازد به بلا گرفتار خواهد شد.
- ۱۵ حاکم شیر بر قوم مسکین، مثل شیر غرنده و خرس گردنده است.
- ۱۶ حاکم ناقص العقل بسیار ظلم می کند، اما هر که از رشوه نفرت کند عمر خود را دراز خواهد ساخت.
- ۱۷ کسی که متحمل بار خون شخصی شود، به هاویه می شتابد. زنهار کسی او را باز ندارد.
- ۱۸ هر که به استقامت سلوک نماید رستگار خواهد شد، اما هر که در دو راه کج رو باشد در یکی از آنها خواهد افتاد.
- ۱۹ هر که زمین خود را زرع نماید از نان سیر خواهد شد، اما هر که پیروی باطلان کند از فقر سیر خواهد شد.
- ۲۰ مرد امین برکت بسیار خواهد یافت، اما آنکه در پی دولت می شتابد بی سزا نخواهد ماند.
- ۲۱ طرفداری نیکو نیست، و به جهت لقمه ای نان، آدمی خطاکار می شود.
- ۲۲ مرد تنگ نظر در پی دولت می شتابد و نمی داند که نیازمندی او را در خواهد یافت.
- ۲۳ کسی که آدمی را تنبیه نماید، آخر شکر خواهد یافت، بیشتر از آنکه به زبان خود چاپلوسی می کند.

۲۴ کسی که پدر و مادر خود را غارت نماید و گوید نگاه نیست، مصاحب هلاک کنندگان خواهد شد.

۲۵ مرد حریص نزاع را برمی انگیزاند، اما هر که بر خداوند توکل نماید قوی خواهد شد.

۲۶ آنکه بر دل خود توکل نماید احمق می باشد، اما کسی که به حکمت سلوک نماید نجات خواهد یافت.

۲۷ هر که به فقرا بذل نماید محتاج نخواهد شد، اما آنکه چشمان خود را بپوشاند لعنت بسیار خواهد یافت.

۲۸ وقتی که شیران برافراشته شوند مردم خویشتن را پنهان می کنند، اما چون ایشان هلاک شوند عادلان افزوده خواهند شد.

۲۹

۱ کسی که بعد از تنبیه بسیار گردنکشی می کند، ناگهان منکسر خواهد شد و علاجی نخواهد بود.

۲ چون عادلان افزوده گردند قوم شادی می کنند، اما چون شیران تسلط یابند مردم ناله می نمایند.

۳ کسی که حکمت را دوست دارد پدر خویش را مسرور می سازد، اما کسی که با فاحشه ها معاشرت کند اموال را تلف می نماید.

۴ پادشاه ولایت را به انصاف پایدار می کند، اما مرد رشوه خوار آن را ویران می سازد.

۵ شخصی که همسایه خود را چاپلوسی می کند دام برای پایبایش می گستراند.

۶ در معصیت مرد شیر دای است، اما عادل ترنم و شادی خواهد نمود.

۷ مرد عادل دعوی فقیر را درک می کند، اما شیر برای دانستن آن فهم ندارد.

۸ استهزا کنندگان شهر را به آشوب می آورند، اما حکیمان خشم را فرومی نشانند.

- ۱۹ اگر مرد حکیم با احمق دعوی دارد، خواه غضبناک شود خواه بخندد او را راحت نخواهد بود.
- ۱۰ مردان خون ریز از مرد کامل نفرت دارند، اما راستان سلامتی جان او را طالبند.
- ۱۱ احمق تمامی خشم خود را ظاهر می‌سازد، اما مرد حکیم به تاخیر آن را فرومی‌نشانند.
- ۱۲ حاکی که به سخنان دروغ گوش گیرد، جمیع خادمانش شریر خواهند شد.
- ۱۳ فقیر و ظالم با هم جمع خواهند شد، و خداوند چشمان هر دوی ایشان را روشن خواهد ساخت.
- ۱۴ پادشاهی که مسکینان را به راستی داوری نماید، کرسی وی تا به ابد پایدار خواهد ماند.
- ۱۵ چوب و تنبیه، حکمت می‌بخشد، اما پسری که بی‌لگام باشد، مادر خود را نخل خواهد ساخت.
- ۱۶ چون شیران افزوده شوند تقصیر زیاده می‌گردد، اما عادلان، افتادن ایشان را خواهند دید. ۱۷ پسر خود را تادیب نما که تو را راحت خواهد رسانید، و به جان تو لذات خواهد بخشید.
- ۱۸ جایی که رویا نیست قوم گردنکش می‌شوند، اما خوشبحال کسی که شریعت را نگاه می‌دارد.
- ۱۹ خادم، محض سخن متنبه نمی‌شود، زیرا اگرچه بفهمد اجابت نمی‌نماید.
- ۲۰ آیا کسی را می‌بینی که در سخن گفتن عجز است، امید بر احمق زیاده است از امید براو.
- ۲۱ هر که خادم خود را از طفولیت به ناز می‌پرورد، آخر پسر او خواهد شد.
- ۲۲ مرد تندخو نزاع برمی‌انگیزاند، و شخص بچ خلق در تقصیر می‌افزاید.
- ۲۳ تکبر شخص او را پست می‌کند، اما مرد حلیم دل، به جلال خواهد رسید.

- ۲۴ هر که با دزد معاشرت کند خویشتن رادشمن دارد، زیرا که لعنت می‌شنود و اعتراف نمی‌نماید.
- ۲۵ ترس از انسان دام می‌گستراند، اما هر که برخداوند توکل نماید سرفراز خواهد شد.
- ۲۶ بسیاری لطف حاکم را می‌طلبند، اما داوری انسان از جانب خداوند است.
- ۲۷ مرد ظالم نزد عادلان مکروه است، و هر که در طریق، مستقیم است نزد شریان مکروه می‌باشد.

۳۰

کلمات آکور

- ۱ کلمات و پیغام آکور بن یاقه. وحی آن مرد به ایتئیل یعنی به ایتئیل واکال.
- ۲ یقین من از هر آدمی وحشی تر هستم، و فهم انسان را ندارم.
- ۳ من حکمت را نیاموخته‌ام و معرفت قدوس را ندانسته‌ام.
- ۴ کیست که به آسمان صعود نمود و از آنجا نزول کرد؟ کیست که باد را در مشت خود جمع نمود؟ و کیست که آب را در جامه بند نمود؟ کیست که تمامی اقصای زمین را استوار ساخت؟ نام او چیست و پسر او چه اسم دارد؟ بگو اگر اطلاع داری.
- ۵ تمامی کلمات خدا مصفی است. او به جهت متوکلان خود سپر است.
- ۶ به سخنان او چیزی می‌فزا، مبدا تو را توییخ نماید و تکذیب شوی.
- ۷ دو چیز از تو درخواست نمودم، آنها را قبل از آنکه بمیرم از من بازمدار:
- ۸ بطالت و دروغ را از من دور کن، مرا نه فقرد و نه دولت. به خورا کی که نصیب من باشد مرا پرور،^۹ مبدا سیر شده، تو را انکار نمایم و بگویم که خداوند کیست. و مبدا فقیر شده، دزدی نمایم، واسم خدای خود را به باطل برم.

- ۱۰ بنده را نزد آقايش متهم مساز، مبادا تو را لعنت کند و مجرم شوی.
- ۱۱ گروهی می‌باشند که پدر خود را لعنت می‌نمایند، و مادر خویش را برکت نمی‌دهند.
- ۱۲ گروهی می‌باشند که در نظر خود پاک‌اند، اما از نجاست خود غسل نیافته‌اند.
- ۱۳ گروهی می‌باشند که چشمانشان چه قدر بلند است، و مژگانشان چه قدر برافراشته.
- ۱۴ گروهی می‌باشند که دندانهایشان شمشیرها است، و دندانهای آسیای ایشان کاردهاتا فقیران را از روی زمین و مسکینان را از میان مردمان بخورند.
- ۱۵ زالورا دودختر است که بده بده می‌گویند. سه چیز است که سیر نمی‌شود، بلکه چهار چیز که نمی‌گوید که کافی است: ۱۶ هاویه و رحم نازاد، و زمینی که از آب سیر نمی‌شود، و آتش که نمی‌گوید که کافی است.
- ۱۷ چشمی که پدر را استهزا می‌کند و اطاعت مادر را خوار می‌شمارد، غرابهای وادی آن را خواهند کند و بچه‌های عقاب آن را خواهند خورد.
- ۱۸ سه چیز است که برای من زیاده عجیب است، بلکه چهار چیز که آنها را نتوانم فهمید: ۱۹ طریق عقاب در هوا و طریق مار بر صخره، و راه کشتی در میان دریا و راه مرد با دختر باکره.
- ۲۰ همچنان است طریق زن زانیه، می‌خورد و دهان خود را پاک می‌کند و می‌گوید نگاه نکردم.
- ۲۱ به سبب سه چیز زمین متزلزل می‌شود، و به سبب چهار که آنها را تحمل نتواند کرد: ۲۲ به سبب غلامی که سلطنت می‌کند، و احمقی که از غذا سیر شده باشد، ۲۳ به سبب زن مکروهه چون منکوحه شود، و کنیز وقتی که وارث خاتون خود گردد.

۲۴ چهار چیز است که در زمین بسیار کوچک است، لیکن بسیار حکیم می‌باشد: ۲۵ مورچه‌ها طایفه بی‌قوتند، لیکن خوراک خود را در تابستان ذخیره می‌کنند.

۲۶ ونکها طایفه ناتوانند، اما خانه‌های خود را در صخره می‌گذارند.

۲۷ ملخها را پادشاهی نیست، اما جمیع آنها دسته دسته بیرون می‌روند.

۲۸ چلباسه‌ها به دستهای خود می‌گیرند و در قصرهای پادشاهان می‌باشند.

۲۹ سه چیز است که خوش خرام است، بلکه چهار چیز که خوش قدم

می‌باشد: ۳۰ شیر که در میان حیوانات تواناتر است، و از هیچکدام روگردان نیست.

۳۱ تازی و یزتر، و پادشاه که با او مقاومت نتوان کرد.

۳۲ اگر از روی حماقت خویشتن را برافراشته‌ای و اگر بد اندیشیده‌ای،

پس دست بردهان خود بگذار، ۳۳ زیرا چنانکه از فشردن شیر، پنیر بیرون

می‌آید، و از فشردن بینی، خون بیرون می‌آید، همچنان از فشردن غضب نزاع بیرون می‌آید.

۳۱

کلام لموئیل پادشاه

۱ کلام لموئیل پادشاه، پیغامی که مادرش به او تعلیم داد.

۲ چه گویم‌ای پسر من، چه گویم‌ای پسر رحم من! و چه گویم‌ای پسر

نذرهای من!

۳ قوت خود را به زنان مده، و نه طریقه‌های خویش را به آنچه باعث

هلاکت پادشاهان است.

۴ پادشاهان را نمی‌شایدای لموئیل، پادشاهان را نمی‌شاید که شراب

بنوشند، و نه امیران را که مسکرات را بنجوانند.

۵ مبادا بنوشند و فرائض را فراموش کنند، و داوری جمیع ذلیلان را

منحرف سازند.

۶ مسکرات را به آنانی که مشرف به هلاکتند بده. و شراب را به تلخ جانان،^۷ تا بنوشند و فقر خود را فراموش کنند، و مشقت خویش را دیگر بیاد نیاورند.

۸ دهان خود را برای گنگان باز کن، و برای دادرسی جمیع بیچارگان.

۹ دهان خود را باز کرده، به انصاف داوری نما، و فقیر و مسکین را دادرسی فرما.

۱۰ زن صالحه را کیست که پیدا تواند کرد؟ قیمت او از لعلها گرانتر است.

۱۱ دل شوهرش بر او اعتماد دارد، و محتاج منفعت نخواهد بود.

۱۲ برایش تمامی روزهای عمر خود، خوبی خواهد کرد و نه بدی.

۱۳ پشم و گنجان را می جوید. و به دستهای خود با رغبت کار می کند.

۱۴ او مثل کشتیهای تجار است، که خوراک خود را از دور می آورد.

۱۵ وقتی که هنوز شب است برمی خیزد، و به اهل خانه اش خوراک و به کنیزانش حصه ایشان را می دهد.

۱۶ درباره مزرعه فکر کرده، آن را می خرد، و از کسب دستهای خود تا کستان غرس می نماید.

۱۷ کمر خود را با قوت می بندد، و بازوهای خویش را قوی می سازد.

۱۸ تجارت خود را می بیند که نیکو است، و چراغش در شب خاموش نمی شود.

۱۹ دستهای خود را به دوک دراز می کند، و انگشتهایش چرخ را

می گیرد.

۲۰ کفهای خود را برای فقیران مبسوط می سازد، و دستهای خویش را

برای مسکینان دراز می نماید.

۲۱ به جهت اهل خانه اش از برف نمی ترسد، زیرا که جمیع اهل خانه

او به اطلس ملبس هستند.

۲۲ برای خود اسبابهای زینت می سازد. لباسش از گنجان نازک و ارغوان

می باشد.

- ۲۳ شوهرش در دربارها معروف می‌باشد، و در میان مشایخ ولایت می‌نشیند.
- ۲۴ جامه‌های گران ساخته آنها را می‌فروشد، و کمربندها به تاجران می‌دهد.
- ۲۵ قوت و عزت، لباس او است، و دربارہ وقت آینده می‌خندد.
- ۲۶ دهان خود را به حکمت می‌گشاید، و تعلیم محبت‌آمیز بر زبان وی است.
- ۲۷ به رفتار اهل خانه خود متوجه می‌شود، و خوراک کاهلی نمی‌خورد.
- ۲۸ پسرانش برخاسته، او را خوشحال می‌گویند، و شوهرش نیز او را می‌ستاید.
- ۲۹ دختران بسیار اعمال صالحه نمودند، اما تو بر جمیع ایشان برتری داری.
- ۳۰ جمال، فریبنده و زیبایی، باطل است، اما زنی که از خداوند می‌ترسد مدوح خواهد شد.
- ۳۱ وی را از ثمره دستهایش بدهید و اعمالش او را نزد دروازه‌ها بستاید.

قدیم ترجمہ

**The Old Persian Version of the Holy Bible in the
Persian language of Iran**

Public Domain

Language: فارسی (Persian)

Translation by: Wycliffe Bible Translators

2015-04-21

PDF generated using Haiola and XeLaTeX on 21 Feb 2024 from source files
dated 31 Aug 2023

42cf233a-073b-5751-ab25-e35dacee289f